

گناه و تجاوز به حقوق طبیعی مردم می‌باشد موجب دلسردی و بی‌تفاوتی آنان و جدایی ملت از دولت و مسئولین می‌گردد، و دولتی که متکی به قلوب ملت خود نباشد قهراً در روابط بین‌الملل مورد فشار قرار می‌گیرد و کلمه حزب واژه غریبی وارداتی نیست بلکه کلمه اسلامی و قرآنی است: "فان حزب الله هم الغالبون" (مائده ۵۶) "الا ان حزب الله هم المفلحون" (مجادله ۲۲) چه قدر هم‌هنگ است این آیه با آیه ۱۰۴ سوره آل‌عمران "ولست کن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون" و حزب الله واقعی وقتی تحقق می‌یابد که افرادی با فکر و ایده صحیح و برنامه جامع مناسب با شرایط زمان و مکان و مطابق با دین و عقل و منطق هم‌هنگ شوند و بتدریج رشد پیدا کنند، نه اینکه با تحریکاتی آبی و خلق‌الساعه جمع شوند و پس از ساعتی هیاهو و شعار غیب شوند.

و احزاب خسوب و قسوی و ریشدار می‌توانند انتخابات عمومی کشور را در مراحل مختلف به نفع ملت و کشور و اسلام انجام دهند و دولت خوب و متعهد و مقتدر روی کار آورند، و در هر حال رابط بین مسئولین و دولت و ملت باشند و جلوی تعدیات و انحرافات و استبدادها را بگیرند و قهرامت نیز گرفتار احزاب و گروههای خلق‌الساعه که طبعاً بیش از هر انتخابات می‌رویند نگردد. و بالاخره خاطره سو مردم از بعضی احزاب که در اثر سو مدیرتها و جهات دیگر نتوانستند خدمت شایانی انجام دهند، نباید مانع شود از انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر به معنای وسیعی که گفته شد.

ضمناً بجاست برای آگاهی بیشتر از مسائل امر به معروف و نهی از منکر و درجات و مراتب و شرایط آن به کتابهای مفصل و از جمله به کتابولایتفقیه اینجانب (ج ۲ ص ۲۱۳) که ترجمه آن به نام مبانی فقهی حکومت اسلامی (ج ۳ ص ۳۳۵) مراجعه شود، و چون نامه گنجایش شرح بیشتر و ترجمه آیات و احادیث عربی را نداشت از برادران واقف به زبان عربی انتظار دارد به وسیله ترجمه و توضیح آیات و احادیث مذکوره برادران و خواهران را یاری نمایند. والسلام علیکم و علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمات الله وبرکاته.

۴ رجب ۱۴۱۸ ۱۴/۸/۱۳۷۶  
قم المکرمه حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۱۸: نامه معظم له به امام خمینی (قدس سره) در ارتباط با تذکر به شورای نگهبان در مورد ارج نهادن به آرای مردم، مورخه ۵ شعبان ۱۴۰۴.

باسمه تعالی

محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی  
پس از سلام، با اینکه در اثر فرمایشات حضرتعالی و سایر تبلیغات، انتخابات نسبتاً در جو خوبی انجام شد و مردم با اشتیاق شرکت کردند و روی هم رفته بد نبود، ولی اکنون در اثر ور رفتن به صندوقهای آرا و بعضی خط و خطوط و موضعگیریها، دارد یک حالت یاس و بدبینی در بین طبقات مختلف مردم از علما، بازاریان، دانشگاهیان و افراد مورد اعتماد شهرستانها پیدا می‌شود. همه جا صحبت این است که چند نفر عقل منصف آقای امامی کاشانی که بی طرف نیستند، صندوقهای آرا همه کشور را در اختیار گرفته و مطابق نظر خودشان انتخابات بعضی شهرها را باطل می‌کنند و نسبت به بعضی شهرها با ابطال بعضی صندوقها کاندیداها را بالا و پایین می‌برند و به امضای شورای نگهبان می‌رسانند، پس قهراً این انتخابات مسرود نیست بلکه انتخابات دو سه نفر هم فکر است. از یک طرف گفته می‌شود انتخابات آزاد است و مردم خودشان رشد و آگاهی دارند و از طرف دیگر با آرای مردم این گونه رفتار می‌شود.

من به صحت و سقم این صحبتها کار ندارم، آنچه مهم است نتیجه آن است که هم قداست شورای نگهبان ملوکوک می‌شود و هم انتخابات بی اعتبار می‌گردد و هم مردم مایوس و ناراضی می‌شوند و در مرحله بعد کمتر شرکت می‌کنند، اگر صلاح بدانید شورای نگهبان را حضوراً بخواهید و دستور فرمایید تا مردم راه نیفتاده اند و به درگیری نرسیده بیش از این به انتخابات و صندوقهای شهرستانها رو نروند و به همان گزارش و رای هیاتهای نظار شهرستانها که با نظر خودشان تعیین شده اند اکتفا کنند. و اگر فرضاً از افرادی در مورد بی طرف نبودن آنان شکایتی قابل توجه شده است افراد دیگری را به جای آنان نصب کنند تا جلب اعتماد مردم شود. والامر الیکم.

۵ شعبان ۱۴۰۴  
حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۱۹: نامه معظم له به حجالاتاسلام معادبخواه وزیر ارشاد وقت جهت اعلام هفته وحدت

بسمه تعالی

جناب حجالاتاسلام آقای معادبخواه وزیر محترم ارشاد اسلامی دامتافاضاته  
همانگونه که توجه دارید جهان اسلام، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مورد توجه دشمنان دیرینه اسلام و مسلمین و بخصوص شیطان بزرگ آمریکا و صهیونیسم قرار گرفته و هر روز به شکلی کشورهای اسلامی را دچار تفرقه و خصومت می‌کنند... هم اکنون جهان اسلام با سرعت و با السهام از انقلاب ایران بر اساس حرکت اسلامی و محور رهبری معظم انقلاب حضرت امام خمینی مدظله، در حال تولدی جدید می‌باشد، از این رو بجاست طبق آیه شریفه "و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب" و سیره پیامبر و ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین، بر خلاف خواسته دشمنان اسلام، به شعائر عظیم اسلام که مورد احترام و قبول امت بزرگ اسلامی بوده توجهی بیشتر مسنون گردد. یکی از این شعائر میلاد پریرکت پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) می‌باشد ولی از آنجا که مع الاسف تاریخ این میلاد که در حقیقت آغاز حرکت جدید در تاریخ بشریت بود از اختلاف مصون نمانده و در بسیاری از کشورهای اسلامی برخلاف آنچه در تاریخ و بین‌ملتها قطعی است به جای هفده

ربیع الاول، دوازده ربیع الاول را تاریخ میلاد آن حضرت می‌دانند، بسیار مناسب و بجاست که روزهای دوازدهالی هفده ربیع الاول را هفته وحدت اعلام داشته تا ضمن هماهنگی با سایر مسلمانان به خواست الهی با تنظیم برنامه‌های پرمحتوا در داخل و خارج کشور صدای انقلاب اسلامی ملت ایران را به گوش جهان محرومین و مستضعفین برسانیم. توفیق همگان را در این رسالت اسلامی از خدای بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم ورحمته.

۱۳۶۰/۹/۶

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۲۰: نامه دفتر معظمه به وزارت خارجه در رابطه با نشر کتاب "الخیمینی فی میزان الشرعیه" که جهت ایجاد اختلاف، در خارج از کشور چاپ شده بود.

بسمه تعالی

تاریخ ۶۲/۱۱/۱۲

وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران دام‌مجده

پس از سلام، اخیراً ضدانقلاب در خارج و داخل کشور دست به شیوه جدیدی زده و کتابی را با عنوان "الخیمینی فی میزان الشرعیه" که مشتمل بر یک سری مطالب بی‌سر و ته و اکاذیب و افتراءاتی نسبت به انقلاب عظیم اسلامی و مقام معظم رهبری آن مدظله‌العالی می‌باشد با اسم حضرت آیت‌الله منتظری دام‌تبرکاته منتشر و برای کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی و مطالعاتی ارسال داشته است.

از این رو لازم است مراتب فوق را به منظور افشای توطئه جدید ضدانقلاب، آن وزارتخانه محترم به نمایندگی‌های خود در خارج کشور جهت اقدام مقتضی و مناسب اطلاع دهد. توفیق همگان را در حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و تحکیم نظام مقدس جمهوری اسلامی و طول عمر رهبر بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی مدظله را از خدای متعال مسئلت داریم. والسلام علیکم ورحمته.

دفتر حضرت آیت‌الله منتظری

رونوشت جهت اطلاع:

مقام معظم ریاست جمهوری

مقام معظم ریاست دیوان عالی کشور

مقام معظم ریاست مجلس شورای اسلامی

مقام معظم نخست‌وزیر محترم

پیوست شماره ۱۲۱: نامه دفتر معظمه به سازمان تبلیغات در رابطه با نشر کتاب "الخیمینی فی میزان الشرعیه"

بسمه تعالی

تاریخ ۶۲/۱۱/۱۶

سازمان محترم تبلیغات اسلامی دام‌مجده

پس از سلام و آرزوی موفقیت، اخیراً ضدانقلاب در خارج و داخل دست به شیوه جدیدی زده و کتابی را تحت عنوان "الخیمینی فی میزان الشرعیه" که مشتمل بر مطالب بی‌سر و ته و اتهامات و افتراءاتی نسبت به انقلاب عظیم اسلامی و مقام معظم رهبری آن می‌باشد به نام حضرت آیت‌الله العظمی منتظری منتشر نموده و برای مراکز مطالعاتی و کتابخانه‌ها ارسال داشته است، از این رو لازم است آن سازمان محترم مراتب را به منظور افشای این توطئه شیطانی در انتشارات خارج کشور خود درج نماید.

مزید توفیقات همگان را در نشر حقایق اسلامی و تحکیم نظام جمهوری اسلامی از خدای

متعال مسئلت داریم. والسلام علیکم ورحمته.

دفتر حضرت آیت‌الله منتظری

رونوشت جهت اطلاع و اقدام: مجله شهید

پیوست شماره ۱۲۲: تلگراف معظمه به امام جمعه و علمای اهواز در مورد وقت‌کشی در جنگ

بسمه تعالی

اهواز

آقای طاهری امام جمعه، حضرات حجج اسلام، آقایان علمای اعلام خوزستان ابدهما لله تعالی کشتار مردم بی‌دفاع اهواز توسط ارتش رژیم صدام کافر، موجب تأسف شدید شد. البته فداکاری و از خود گذشتگی ملت، ارتش و سپاه اسلام در تاریخ گهنظیر است، ولی هم زمان با چنین روحیه و قدرتی در ارتش غیور و سپاه عزیز ما خودداری از هجوم و حمله به دشمن غدار که کشور ما را اشغال کرده برای ملت ما سوال برانگیز شده. من نمی‌دانم جریان‌ات موجود در جبهه را که از مجموعه آن نمی‌توان به سادگی گذشت شورای عالی دفاع صریحاً به عرض رهبر انقلاب رسانده یا نه.

شورای عالی دفاع توجه دارد که سیاست وقت‌کشی و مهلت تدارک نیرو به رژیم صفاک عراق دادن به قیمت ریختن خون صنها جوان‌مسلمان و به وجود آمدن امید ادامه توطئه‌های شیطانی برای آمریکا تمام خواهد شد.

اینجانب ضمن تسلیت به خانواده‌های داغ‌دیده و شهیدپرور خوزستانی، از حضرات علمای اعلام می‌خواهم مراتب را صریحاً

به عرض رهبرانقلاب حضرت امام خمینی مدظله و به نظر مجلس شورای اسلامی رساننده و تا وقت نگذشته فکری اساسی جهت دفع قوای کفر و تجاوز گریخت عراق بشود. به امید پیروزی قوای اسلام بر کفر. والسلام علیکم ورحمات الله وبرکاته  
۵۹/۱۰/۱۰

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۲۳: تلگراف آقای بنی صدر به معظمه و پاسخ ایشان  
بسمه تعالی

حضرت آیت الله منتظری

تلگراف شما به امام جمعه و علمای اهواز را در روزنامه خواندم. درد زیاد است. خواهش من این است امسروز یا فردا به خوزستان تشریف بیاورید و خود وضع را از نزدیک و از راه تحقیق ببینید و هر قضاوتی پیدا کردید با مردم در میان بگذارید. گمانم این است که دیدار شما با فرماندهانی که جبههها را اداره می کنند، از هر جهت بسیار مفید باشد. همین قدر بگویم که مسافرت شما بلکه رسم تحقیق در امور را بنیان گذارد. این روزها روزهای تعیین کننده ای هستند و حمایت از نیروهای مسلح

و تقویت روحیه آنها به خواست خدا پیروزی را از آن ما خواهد کرد.

۱۲ دی ماه ۱۳۵۹

رئیس جمهوری ابوالحسن بنی صدر

بسمه تعالی

جناب مستطاب آقای بنی صدر رئیس جمهور ایران داجتوفیقه

بعد از سلام، تلگرام شما را از تلویزیون شنیدم، چه خوب بود پیش از چنین قضاوتی حد اقل با تلفن از اینجانب تحقیقی نسبت به علت نگرانی من از جریانات جبههها و نقض وعدههای مکرر در مورد حمله به دشمن که قهرا موجب بی اعتنائی به روحیه قوی نیروهای مسلح می شود می کردید. فکر می کنم اگر جنابعالی به جای من بودید و هر روز طبقات مختلف مردم و جوانان رزمنده و فداکار از سربازان و درجداران و افسران ارتش و سپاه و بسیج و مسئولان ارگانها که معمولا ماهها در جبهه بوده و با دلی پر درد از مسامحه کاریها برای گزارش جبههها و گلایه و کسب تکلیف شرعی به منزل من می آیند تماس داشتید (و هم ایشان، که طبیعی است! دعای عدم آشنایی به مسائل جنگی و تحقیق در مورد همه آنها نارواست، می توانستند برای شما کانسال صحیح اطلاعات و اخبار باشند) قضاوت شما غیر از این بود و بازدید مجدد از جبهه و ملاقات با فرماندهان را ضروری نمی دانستید.

به نظر من آنچه فعلا به صلاح اسلام و مسلمین می باشد حفظ اتحاد و اطاعت از رهنمودهای قاطع رهبری و احترام به ملت و مجلس و ارزشهای الهی و طرد کامل و سریع دشمن از حریم میهن اسلامی است.

ما در مقابل خون جوانان عزیز و رشید اسلام و بیش از یک میلیون آواره مسئولیتی بزرگ داریم. اینجانب ارتش و سپاه و بسیج را برادران خود دانسته و تقویت و تایید مادی و معنوی آنان را در هر مناسبتی وظیفه شرعی می دانم و در خطبههای نماز جمعه به آنان دعا می کنم. توفیق شما را در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی از خدای بزرگ خواهانم. به امید هجوم نیروهای مسلح ایران و پیروزی قوای اسلام بر کفر. والسلام علیکم.

۵۹/۱۰/۱۴ قم.

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۲۴: پیام تسلیت آقای هاشمی رفسنجانی به معظمه به مناسبت شهادت شهید یاسر رستمی

شماره ۲۴۵۱۹/۲۵۰ / ص

تاریخ ۱۳۶۵/۷/۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مقدس فقیه عالیقدر آیت الله العظمی آقای منتظری دام تبرکاته وجوده الشریف شهادت افتخار آفرین یاسر بزرگوارتان را از صمیم دل تهنیت و تسلیت عرض می کنم. می دانم با اینکه یاسر قهرمان سخت مورد محبت جنابعالی بود از شهادتش آزرده خاطر نیستید، همان روزی که والد و والده خویش و جد و جد خویش را این اسم را برایش انتخاب کردند چنین عاقبت خیری را در نظر داشتند.

بالتر از این، زندگی پر حادثه و آموزنده حضرتعالی سراسر جهاد و شهادت و ایثار است. امت از همان روزهای اول نهضت اسلامی شما را پیشتاز و نوک پیکان جهاد می دید و سینه مبارکتان را سپر بلاها، و بی جهت نیست که در وجود شما با اعتماد کامل شرایط نیابت رهبری را یافت و آگاهانه انتخاب کرد.

شما از اولین شخصیتهای اسلام و کشور بودید که زندانهای رژیم منحوس گذشته را با حضورتان زینت دادید و زندانیان را روحیه و افتخار، و جز مجاهدانی که بیشترین دوران بازداشت و تبعید و محرومیت و محدودیت و تعقیب و آزار را در دوره هفده ساله انقلاب در پرونده خود دارند هستید، و صبورانه رنج مشاهده شکنجه فرزند قهرمانتان محمد شهید را در سیاه چالهای رژیم پهلوی و سپس دوران طولانی بازداشت و درگیری او را که به اندازه عمر تمام دوران مبارزاتمان است، سرانجام شهادت مظلومانمان را در زیر آوارهای دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی که در بهار پیروزی انقلاب اشجار طیبه اسلام را خزان کرد تحمل کردید. دیروز شاهد جراحت و نقص عضو سعید گرانقدرتان در جبهه بودید و امروز شاهد شهادت یاسر بزرگوارتان و هر روز شاهد شهادت فرزندان عزیز امت که مثل اولاد خودتان عزیزشان می دارید، هستید.

اینها و خیلی چیزهای دیگر، تاریخ سراسر افتخار زندگی شما را ساخته و امت اسلامی را به آینده انقلاب و ادامه راه امام بزرگوار مطمئن می‌سازد.

راه انبیا و سرنوشت رهبران الهی همیشه قرین با ابتلا و بلاها بوده و موفقیت‌هایشان نتیجه پیروزی در امتحانهای سخت ربوبیت (ان هذاهو البلا العبین) سنت الهی ابراهیم را با قربانی فرزندان و هجرت رنج آلود به وادی غیر ذی زرع و یعقوب را با فراق عزیزی چون یوسف و چشمان نایبانی از اشک و اندوه (وایضت عیناه من الحزن و هو کلیم) موسی و عیسی را با دریدنها و گرفتاریها و ایوب را با امواج سختیها و مصائب و سرانجام خاتم پیامبران را با مرارت‌های توصیف شده به (ما اودی نسی مثل ما اودیتم) هم آزموده و هم ساخته و هم مکرم و موفق داشته است (البلا للولا)

پرتو صحنه‌های ایثارگرانه احد و کربلا و فح امروز در محیط جامعه اسلامی ما مشهود است و بی‌گمان این ملت مقاوم درس ایثارگری را از بزرگانی چون حضرت شما می‌گیرند. با اینکه آزرده‌گی قلب رنوف قائم مقام رهبریمان برایمان سنگین است، اما آثار گرانبهای هم‌رنگی و همراهی و همدردی خانواده دومین شخصیت انقلابمان با خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان تحمل این بار سنگین را آسان می‌دارد، همانگونه که امامان و مقتدایمان در شهادت فرزند فقیه‌شان آیت‌الله سید مصطفی فرمودند، و بی‌شک این شهادتها مایه تقویت ایمان و روحیه رزمندگان و ملت ایثارگر و خانواده‌معظم شهدا است.

از برخورد هایتان با یاسر در ملاقات‌های زندان و جاهای دیگر برایم روشن است که سخت به او دل بسته داشتید ولی می‌دانم که اسلام و انقلاب به مراتب بیش از محمد و یاسر در دلتان جای و منزلت دارند. با اینکه مسئولان طراز اول کشورمان همگی فرزندان و وابستگان نزدیکی در جبهه داشته و دارند، اما خداوند جنابعالی را لایق نزول این سعادت عظمی دانسته و رحمت خاصش را برایتان نازل فرموده.

هر که در این بزم مقربتر است جام بلا بیشترش می‌دهند  
رحمت خدا بر ارواح مقدس همه شهدای راه حق بادا.

ارادتمندتان

۶۵/۷/۱۷ اکبر هاشمی رفسنجانی

پیوست شماره ۱۲۵: نامه معظمله به امام خمینی در ارتباط با مشکلات ناشی از سو مدیریت در جنگ و ابراز ناخرسندی از ادامه آن و لزوم پایداری بر قانون اساسی، مورخه ۶۷/۲/۲۷

بسم الله الرحمن الرحیم

محضر مبارک آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام و تحیات به عرض می‌رساند: گمان نمی‌کنم موقعیت خطیر حضرتعالی در جهان اسلام و اینکه در شرائط فعلی حفظ آبرو و موقعیت و حیثیت اسلام به حفظ موقعیت حضرتعالی گره خورده است بر کسی مخفی باشد، چنانچه علاقه قلبی و احترام عمیق اینجانب نسبت به حضرتعالی نیز قابل تردید نیست. و قهراً اینجانب در هر شرائطی و به هر نحوی اگر نکاتی را به عرض رسانده‌ام بر اساس دو موضوع فوق بوده است. برای من قابل تحمل نیست که فرصت و موقعیتی که خدای متعال در عصر غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه‌ای عالم تشیع پیش آورده و روحانیت و مرجعیت شیعه این چنین مایه امید ملت‌های محروم و مظلوم جهان شده به سادگی این امید به یاس مبدل گردد و حیثیت اسلام و تشیع که در چهره حضرتعالی متبلور شده خدای ناکرده ملوک و خراب گردد که در این صورت برای قرن‌های متمادی دیگر از عظمت و عزت اسلام و روحانیت و قداست ولایت فقیه خیر و اثری نخواهد بود. از این رو با کسب اجازه اموری را که با تمام وجود لمس می‌کنم و مرا معذب داشته ادا للوظیفه به عرض می‌رسانم و از صراحت لهجه که خصلت همیشگی من می‌باشد قبلاً پوزش می‌طلبم:

۱- متأسفانه جنگ تحمیلی به جای بنی رسیده و دولت و ملت و انقلاب ما را در شرائط بدی قرار داده.

قطعاً حضرتعالی از اوضاع نابسامان مردم و رکود اقتصادی و سقوط پول ما و کسری بودجه و خساری شهرها و مراکز اقتصادی و تعطیل شدن کارخانه‌ها و تورم و گرانی و کمبودها و بیکاریها و خانه بدوشی میلیون‌ها شهروند چندین استان کشور و ترک مغازه و بازار و محل کار و پناه بردن به دهات و کوه‌ها و تعطیل شدن موسسات فرهنگی و بالارفتن نارضائیه و رشد مفاسد اداری و اخلاقی که لازمه قهری این وضع است کم و بیش اطلاع دارید. اگر در گذشته چنین گفته می‌شد که یک عده قلیلی که از انقلاب ضربه خوردند و نتوانستند خود را با آن هماهنگ کنند به این گونه مطالب خلاف واقع دامن می‌زنند و اینجا و آنجا نامه پیرانی و جوسازی می‌کنند دیگر امروز این احتمال وجود ندارد، خدا را گواهی گیرم که بسیاری از دوستان انقلاب و حضرتعالی که قبل از انقلاب و پس از انقلاب فداکارانه‌شان داشتند امروز در آستانه یاس و شک قرار گرفته‌اند، و متأسفانه یکی از کارهای روزمره من گوش دادن به درد دل و شکایات این قبیل افراد است و اصرار دارند مطالبشان را که نوعاً مسائلی کلی است به عرض حضرتعالی برسانم، و من هم جز سکوت و طفره رفتن راهی ندارم.

ما متأسفانه در جنگ و در بسیاری از کارهای دیگر فرصتهای زیادی را از دست دادیم و هر روز دلمان را به گزارشهای مبالغه‌آمیز نسبت به خوبی وضع خود و خرابی وضع دشمن و به شعارها و وعده‌های بی‌اساس خوش کردیم و اجازه احتمال خلافت دادن را هم ندادیم تا بالاخر وضع ما به اینجا رسید که دولتها که جای خود دارند بسیاری از ملتها را هم از دست دادیم و آن همه قداست و احترام و ایمان و امید سالهای اول انقلاب که سرمایه عظیمی برای انقلاب بود بتدریج از دست می‌رود، و آن چنان چهره نورانی اسلام و انقلاب و مقام رهبری را خراب جلوه‌دادند که جز تعدادی انگشت شمار در هر کشوری برای ما بلاقى نمانده است.

من برخلاف آنچه شاید فکر شود، آدم بدبین و تندی نبوده و نیستم ولی از این واقعیت تلخ رنج می‌برم که ما در اثر قصورها و ضعفها و خودمحوریها و سو مدیریتها و سپردن کارها به دست ضعفا و سیاستهای غلط و ناهماهنگی‌های روشن در تصمیمات و در

اجرا، یک چنین ملت‌بزرگ و فداکار و کم نظیر در تاریخ را بتدریج از دست بدهیم. البته من از تلاش و احساس مسئولیت بسیاری از برادران مسئول خبر دارم و آنان را دعا و تایید می‌کنم ولی از این ستاسفم که بسیاری از ما گرفتار یک حالت غرور و خودبینی و غفلت از واقعیات شده‌ایم و تذکرات را هم به بازی می‌گیریم و شاید علت عدم استجابت دعاها هم همین حالت ما باشد. من از توطئه ابرقترتها در دامن زدن به ناراضیها و تبلیغات مسموم ایادی آنان خبر دارم ولی می‌گویم سرمایه عظیم ما همین ملت فداکار است، تا کی باید آنان در این وضع زندگی کنند و علاوه بر فشار اقتصادی برخورد بعضی از ما هم با آنان تند و خصمانه باشد؟ به‌شعارهای تلقینی و مصاحبه‌های ساختگی نباید دل خوش کرد باید واقعیتهای اجتماعی را هم در نظر داشت، خدا شاهد است روحانیت در حال انزوا و بد نسامی قرار گرفته، در بسیاری از شهرها به روحانیون بخصوص اگر بفهمند شاغل پست و مقامی هستند توهین عینی می‌کنند تعداد داوطلب برای جبههها و کمک کننده به جبههها و حاضر در مراسم سریرا رو به کاهش است و بسیاری از کمکها از روی فشار و ترس و رودریاستی است. این مطالب را من از افراد ناراضی و رادیهوهای ضدانقلاب نمی‌گویم از قول همان رزمندگان و شهید دادها و مردم کوچه و بازارو از قول بسیاری از مسئولین و شاغلین می‌گویم. تا دیر نشده و فرصتها بکلی از دست نرفته حضرتعالی که در مقاطع مهم این انقلاب را از سقوط نجات دادهاید بجاست فکری بکنید و به گزارشهای معمولی و رسمی اکتفا نکنید. من می‌دانم که بعضی از مسئولین یا شهادت صراحت‌گوئی را ندارند و یا به ملاحظه حال حضرتعالی و پرهیز از نگران کردن شما مسائلی را به حضرتعالی به همان نحو که واقعیت دارد نگفته نمی‌گویند. در مساله جنگ و مسائلی دیگر مسواری زیادی از این قبیل بود که قطعاً اگر واقعیات درست گزارش می‌شد حضرتعالی به موقع تصمیم می‌گرفتید و شاید کارها صحیحتر انجام می‌شد. اکنون هم دیر نشده اگر علاوه بر مسئولین رسمی با سایر صاحب نظران نیز مشورت شود بساره حل‌هایی ارائه دهند و بتوانند در مشکلات یار و یاور باشند. اگر از چنین جمعی متشکل از همه جناحهای معتقد به نظام و انقلاب و کشوردر مساله جنگ و کیفیت خاتمه دادن به آن به نحو آبرومندانه و به نفع اسلام استفاده شود فردا کسی معترض و طلب کار نخواهد بود و از مهمتر اینکه از مقام و موقعیت معنوی حضرتعالی نیز چیزی کاسته نمی‌شود. البته بسا کسانی باشند معتقد به انقلاب و حضرتعالی، ولی خودشان مستقلاً اهل نظر می‌باشند و حاضر نیستند صددرصد بی‌اراده باشند و این از محسنات انسان است.

و ممکن است حل مساله جنگ را حضرتعالی به مجلس شورای اسلامی به عنوان نمایندگان مردم احواله نمایند با ارائه خط کلی به آنان، و بالاخره ما پس از فتح خرمشهر هرچه نسبت به جنگ اقدام کرده‌ایم تقریباً باخته‌ایم، و چهره ما در دنیا به عنوان متجاوز و لجاج و جنگ طلب معرفی شده و ستاسفانه روی ملتها و از جمله ملت داخل عراق هم نتوانستیم کار فرهنگی مفید انجام دهیم و آنان را ترجیه نمائیم. در این شرایط فرضاً ما حملاتی انجام دهیم و تپه‌هایی یا روستاهایی را هم تصاحب کنیم و چند هزار شهید و مجروح و مفقود برگزیده‌ایم و چند ماه بعد آنها را از ما پس بگیرند در این صورت آیا این جنگ تقویت اسلام است؟ ما برای فتح فاو چقدر نیرو مصرف کردیم و چقدر خسارت انسانی و مالی دادیم ولی بالاخره با یک غفلت از ما گرفتند. بالاخره برای این تسلسل بمب و موشک و کشتار از طرفین مسلمان و تخریب شهرهای دو طرف باید فکری اساسی کرد. سیاست شیطان قترتهای حامی صدام دست انقلاب مقدس ما را به خون هزاران مسلمان عراقی از نظامی و غیر نظامی و زن و بچه و بی‌گناه آغشته کرد تا جاذبه معنوی و قداست ملکوتی انقلاب و اسلام و رهبری را که خطر بزرگی برای قترتهای استعماری بود کم کنند و ستاسفانه در این سیاست شیطان موفوق شدند. در نظر توده مردم عراق فرقی بین موشک‌های صدام به شهرهای ایران و موشک‌های ما به شهرهای عراق و کشتار زن و بچه و غیر نظامیان آنان نیست. جنگ تمام عیار که عراق را واقعا شکست بدهد نیاز به پول و امکانات و مهمات زیاد و نیروهای آزموده چند صد هزاری منظم و مومن به جنگ دارد و در شرایط فعلی ما نه دولتمایا چنین پول و امکاناتی دارد و نه ملت ما و ارتش ما با همه وسعتش انگیزه وارد شدن به خاک عراق را ندارد و سپاهیان ما هم کمتر انگیزه دارند. ما نوعاً از بچه‌های مخلص بسیجی آموزش ندیده بنون امکانات مصرف می‌کنیم و خانوادهها را بیشتر داغدار می‌کنیم ولی صدام را شرق و غرب و کشورهای عربی همه کمک می‌کنند و خواسته همه آنها توازن ما و عراق و ضعف هر دو کشور است تا اسرائیل و اربابانش با خیال راحت به سیاستهای استعماری خود ادامه دهند. مادامی که مساله ارتش و سپاه و نیروهای مسلح ما به طور اساسی حل نشود و این تضاد و تنازع در حدود وظائف و تقسیم امکانات بین آنان وجود داشته باشد و مثل دو نیروی متخاصم با یکدیگر برخورد داشته باشند امکان وجود یک نیروی منظم هماهنگ مومن به جنگ وجود ندارد، و حل این مساله نیز بیش از هر چیز به برنامه ریزی صحیح و زمان نیاز دارد. جنگ اگر موجب نابودی ملت و دولت و ارزشها شود نه خدا به آن جنگ راضی است و نه ملت.

و اکثر خانواده شهدا بیش از همه به ترک جنگ اصرار دارند. چه بسا صلح و ترک جنگ تلخ است ولی خود آن مقدمه پیروزی است و "عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم" منتهی باید در کیفیت آن مشورت و دقت کرد.

پیغمبر اکرم (ص) در حدیثی صلح با مشرکین را با شرایط ناگوارش پذیرفت و خداوند از آن به فتح مسبین تعبیر فرمود (اول فتح) در انفال می‌فرماید: "وَ ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله انه هو السميع العليم، و ان یریدوا ان یخدعوک فان حسبک الله هو الذی ایدک بنصرو بالمومنین". و در نامه امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر چنین آمده است: "وَ لاتدفعن صلحا دعاک الیه عنوک و لله فیه رضا فان فی الصلح دعه لجنودک و راحه من همومک و امانا لبلادک و لکن الحنر کل الحنر من عنوک بعد صلحه فان العنر یما قارب لیتفعل فخذ بالحزم و اتهمی ذلک حسن الظن". (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

البته حساب ملت عراق از ما جداست و باید ملت عراق را در مقابل حکومت بعث کمک و یاری کرد تا همچنان که ملت افغانستان در مقابل حکومت کمونیستی و دولت شوروی قیام کردند ملت عراق نیز تدریجاً مجهز شود و حکومت بعث را ساقط و بسا اقل تضعیف نمایند. و اگر جنگ به صورت قیام ملت عراق در مقابل حکومت بعث درآید و ما مستقیماً مهاجم نباشیم این سوژه تحریک‌آمیز هجوم عجم بر عرب نیز از دست دشمنان گرفته می‌شود.

۲ راجع به مساله حج نمی‌دانم وقایع مکه را تا چه اندازه به حضرتعالی گزارش دادند. بسیاری از افراد مورد اطمینان که خود ناظر جریان و در خط مقدم راهپیمایی بودند می‌گویند همه گناه گردن سعودیها نیست و ممکن بود راهپیمایی آبرومندانانه انجام شود و به اینجا هم منجر نشود، ولی در اثر تندی بچه‌ها و بی‌برنامگی اجمالا هجوم و حمله از طرف بچه‌های نیخته ما شروع شد و سوژه به دست دشمن داد، هر چند دشمن مجهز و مهیا بود و دنبال بهانه می‌گشت تا ما را سرکوب کند. دشمن در سال قبل از آن در موضوع جاسازی و قرار دادن مواد منفجره در ساکهای حجاج با ما عاقلانه برخورد کرد و تا اندازه‌ای اغماض کرد و ما موضوع را رسیدگی نکردیم بلکه مغرور شدیم و در سال بعد چنین مصیبت بزرگی برای عالم اسلام رخ داد و دشمن از موضوع سال قبل نیز بهره برداری کرد و علی‌ای حال اگر ولو به حسب صورت تغییری در بعضی مسئولین حج و روش آنان انجام می‌شد و آنان عاقلانه وارد می‌شدند بسا بدون اینکه از حضرتعالی مایه بگذاریم و با شکست مواجه شویم مساله قابل حل بود.

۳ مستاسفانه تضاد افکار و نظریات جناحهای داخلی بخصوص بین روحانیین رو به تزاید است و مساله انتخابات تبلوری از آن بود، انتظاری که همه از حضرتعالی دارند فکر چاره‌ای برای از بین بردن این همه اختلاف و تضاد بخصوص بین روحانیین و دوستان و ارادتمندان قدیمی حضرتعالی است. اینکه هر روز یک جناح را مطلق کنیم و دیگران را بکلی نادیده بگیریم به نظر کار اصولی و ریشه داری نیست. باید علاج اصولی نمود و به ریشه‌ها پی برد. چرا در مبارزات و مذاکرات و اداره جبهه‌ها همه با هم بودند و امروز چنین جناح بندی شده است و در فرصتی از حضرتعالی خرج می‌شود، همین وضع اختلاف و پراکندگی برای شکست روحانیین طرفدار انقلاب کافی است و دیگر نیازی به صدام و آمریکا و منافقین نیست، ما خودمان را داریم می‌خوریم و خدا را شکر که دشمنان ما جاهلند و از این واقعیات بی‌اطلاعند.

سرانجام اوضاع فعلی روحانیین در یک جبهه را به دو دسته طرفدار اسلام آمریکائی و طرفدار اسلام پابرهنگها تقسیم نمود و هر کدام را با طرفدارانشان به مقابله با دیگری در تمام عرصهها کشاند، آیا اگر اجازه تعدد احزاب و جمعیت‌های اسلامی داده می‌شد و این مقابله و تنازع حداقل بین دو حزب غیر منتسب به حضرتعالی تبلور پیدا می‌کرد بهتر از این نبود که روحانیت علاقمند به حضرتعالی و انقلاب تجزیه شود و قسمی در مقابل دیگری صف آرایی نماید؟

۴ در خاتمه اجازه می‌خواهم موضوع مهم دیگری را نیز تذکر دهم: البته امیدواریم خداوند به حضرتعالی طول عمر عنایت کند و این انقلاب کشور به دست خودتان تحویل حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه داده شود، ولی اگر فرضاً خدای ناکرده حادثهای رخ دهد حضرتعالی لازم است فکر بعد را هم بکنید. الان با آن قدرت و جاذبه که حضرتعالی دارید و ترسی که همه جناحها دارند به هر طرف حضرتعالی تشری بزنید بسا درگیری هر چند صورتاً برطرف می‌شود، ولی برای بعد باید ارگانهای قانونی از قبیل مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و قانون اساسی و علما و روحانیین مبارز و در سطح بالا که جنبه مردمی هم دارند در همه مناطق باید تقویت شوند تا حافظ انقلاب و کشور باشند و مردم دور آنها سینه بزنند، ولی دیده می‌شود ارگانها و قانون اساسی و لویه‌نحوه غیر مستقیم از طرف حضرتعالی تضعیف می‌شوند و مجرد وصیتنامه حضرتعالی هر چه باشد به تنهایی کافی و کارگشا نیست.

از همه پرگوشی عنبر می‌خواهم و السلام علیکم ورحمةالله و برکاته

۵ رمضان المبارک ۱۴۰۸ مطابق ۱۷/۲/۲

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۲۶: پیشنهاد ادغام نیروهای مسلح در یکدیگر و تشکیل دو واحد نظامی و انتظامی توسط معظم‌له در جلسه سران کشور مورخه ۶۹/۱۱/۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به نظر می‌رسد وجود پنج نیروی مسلح مستقل به نامهای ارتش، سپاه، ژاندارمری، شهرپانی و کمیته بسا روحیه‌های مختلف و برنامه و ضوابط ناماهنگ و اختلاف فاحش در سطح حقوق و امکانات، علاوه بر هزینه‌های سنگین و مخارج تکراری نوعاً مستلزم حسادت و بدبینی و تضاد و تعارض و خنثی کردن کار یکدیگر یا کم‌کاری و بی‌اعتنایی به وظایف محوله و فرار از کار خواهد بود، بساید با تصویب یک تک‌ماده انقلابی در مجلس و یا یک فرمان انقلابی از طرف رهبر نیروها و موسسات نظامی و صنعتی و رفاهی آنان در یکدیگر ادغام و مجموعاً به وسیله یکوزارتخانه اداره شود به این تفصیل:

۱ حجم عظیم ارتش کنونی و شهرپانی و ژاندارمری بتدریج کوچک شود، افسران و درجداران مشکوک بتدریج و محترمانه بازخرید شوند و کادوهای بی‌تفاوت به کارهای تشریفاتی و آموزش سربازان و بسیج گمارده شوند و افراد و کادوهای خوب و باتجربه و متعهد از نیروهای پنجگانه شناسایی و سازماندهی شوند و از مجموع آنها دو نیروی امنیت داخلی به نام پاسدار، و امنیت مرزی و رزمی به نام ارتش تشکیل شود اگر نام رسمی برای این نیروها انتخاب شود شاید بهتر باشد، در حقوق هم بساید هم سطح باشند و یا قریب به یکدیگر.

۲ از افسران و درجداران برای اداره امور و سازماندهی و برنامه‌ریزی و فرماندهی، و از سربازهای وظیفه پس از آموزش خوب و احراز تعهد برای اجرا و مباشرت در ایجاد امن و دفاع استفاده شود.

۳ از نظر حقوق و مزایا و امکانات حتی سربازها به نسبت تامین شوند تا گرفتار رشوه و کم‌کاری و بی‌اعتنایی نسبت به وظایف محول‌نشوند.

۴ دانشکده‌های افسری و پلیس و سپاه به یک دانشگاه دارای یک دوره عمومی و چند رشته تخصصی از زمینسی، هوانسی، دریائی و صنایع نظامی تبدیل شود.

۵ در بسافت فعلی اداره سیاسی و ایندولوژی ارتش و نمایندگی امام در شهرپانی و سپاه تغییر اساسی داده شود، و از تشریفات کم و به واقعیات افزوده شود، و نمایندگی امام علاوه بر اداره امور سیاسی و عقیدتی نیروها نقش اطلاعات و رکن دو ارتش را نیز

داشته باشد .

- ۶ بسیج مردمی نیز مستقیماً زیر نظر رهبر اداره شود تا ملعبه نیروها نشود و رهبر در مواقع ضرورت و کمبود، آنان را به کمک دو نیرو بسیج کند.
- ۷ صنایع نظامی ارتش و سپاه در یکدیگر ادغام شوند و از تشریفات نظامی آن کاسته شود و به جنبه‌های تکنیک و صنعت آن افزوده شود.
- ۸ انجام امور فوق در صورتی میسر است که یک تصمیم قاطع گرفته شود و ملاحظه‌کارها همه به دور ریخته شود و گرنه روز به روز گرفتاری‌زادتر خواهد بود.
- ۹ نیروهای متعهدی که از سپاه در اثر روحیه انحصارطلبی بعضی از مسئولین منزوی شده‌اند به کار دعوت شوند.
- ۱۰ دهنفر از افراد وارد و عاقل و متدین و متعهد از نیروهای پنجگانه از هر کدام دهنفر مسئول انجام و اجرای این قانون شوند.

پیوست شماره ۱۲۷: نامه معظمله به امام خمینی درباره برخی از مشکلات کشور به ویژه مسائل جنگ  
تاریخ ۱۳۶۴/۷/۱۶

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک رهبر بزرگ انقلاب آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی  
پس از سلام بسر خلاف میل خود نظر به حساسیت شرائط فعلی کشور و مراجعات مکرر از اقشار مختلف و مسئولین بالا و پائین باین جانب و تشریح دردها و معایب و اشاره به راه حلها و اصرار بر اینسکه تمام مطالب و نگرانیها نزد حضرتعالی منعکس شود به نظر رسید مختصراً مسائلی را به عرض برسانم:

۱ در وضع فعلی با آن همه مصائب و مشکلات ناشی از جنگ و فشار قدرتهای بزرگ و عوامل آنان هیچ اشکالی در مردم ما نیست هر چه است در اداره کشور و انقلاب است و شکی نیست که مسئولین اکثراً حسن نیت دارند و برای خدمت در تلاش و فعالیتند. اشکال مهم در بعضی از کارهای کلیدی و تصمیم گیریهای اصلی است که وضع را به اینجا رسانده به نحوی که انقلاب را با خطرات جدی مواجه ساخته است مثل نسبت به مسائل جنگ و مشکلات جبههها در حال حاضر شاید راهی جز تحمل وضع دلخراش موجود نباشد ولی اگر دو سال قبل با وسعتنظر به تذکرات و درد دل فرماندهان متعهد و رزمندگان عزیز که متأسفانه اکثر آنان با دلی پر درد به شهادت رسیدند توجه شده بود فرصت از دست نمی‌رفت و امروز راههای پیشرفت بر ما مسدود نمی‌شد ولی چه کنیم که غرور بعضی مسئولین بالا و بی اعتنائی آنان به نظرات دیگران کار را باینجا رساند. از حسود دو سال پیش تا حال بسیاری از افراد مخلص ارتش و سپاه و نمایندگان مجلس و افراد روشن و بصیر و متعهد نسبت به تحولات سپاه و ارتش و روش جنگ و اشکالات کار گفتند و نوشتند که از حد خارج بود و ممکن بود از افکلو آنان استفاده کرد ولی کسی بنان توجه نکرد و نتوانستند درد خود را که از نزدیک در جبههها مشاهده کرده یا از زبان فرماندهان بالا و پائین شنیده بودند با اطلاع حضرتعالی برسانند و هر وقت تصمیمی می‌گرفتند مسئولینی که حیثیت خود را نزد حضرتعالی و مردم در مخاطره می‌دیدند جوی می‌ساختند که آنان موفق شوند و گذشت آنچه گذشت و باز هم می‌گذرد.

دو نامه مختصر ضمیمه، نمونه‌ای کوچک از نامه‌های زیادی است که بعد از هر حمله و شکستی فرماندهان رده دو و سه جبههها به اینجانب می‌نویسند و با نگرانی شدید و شک در مشروعیت کار خود، باینجانب مراجعه می‌کنند و من آنچه توانستم با صحبت‌های خصوصی و عمومی خطاها و اشتباهات و سهل انگاریهای آقایان و فرماندهان بالا را توجیه کرده‌ام ولی هنگامی که می‌گویند واقعیات تلخ و سهل انگاریها را عیناً برای آقایان گفتیم و تذکر دادیم ولی توجه نکردند یا اینسکه گناهها را به گردن یکدیگر انداختند در این صورت چه باید کرد و در جواب آنان چه باید گفت؟

و وقتی که بعضی از افراد سابقه دار و متعهد از مسئولین سپاه می‌آیند و می‌گویند به داد سپاه برسید که سپاه در حال احتضار است جواب آنان چیست؟

اشکال مهم این است که کارهای اساسی کشور خلاصه شده در چند نفر با مشاغل و گرفتاریهای زیادی که دارند و ایکاش کارهای مهم را افراد قوی و اهل محول می‌کردند و تنگ نظری و خط و خطوط و رفیق بازی در کار نبود. معمولاً نسبت به هیچ خطا و تقصیری توبیخ و بازخواست نمی‌شود و یا اگر فرضاً بشود توصیه‌ها و تلفن‌ها بکار می‌افتد و موفقیتها هم تشویق و تقدیر بدنال ندارد. اگر مرجعی قاطع برای بررسی خطاها و ضعفها و تقصیرات منجر به شکستهای پی در پی در دو سال اخیر در جبههها وجود داشت و برای جان هزاران جوان کمفتمت و در اثر بی احتیاطیها از دست می‌روند ارزش قائل بودیم اوضاع جنگ و جبههها بهتر از حال بود. منسب اقتصاد کشور یعنی خاگ را مرتب میزنند و بر حسب گفته شاهان عینی با تیرکمان هم می‌شند هواپیماهای دشمن را زد و افراد تقصیر کردند و می‌کنند چون تعقیبی در کار نیست و پیش بینی‌های لازم هم نشده است.

آیا در جبهه مقابل ما هم وضع به همین منوال است؟ نه تندیهای طرف صحیح است و نه سستی‌های بی اندازه ما معمولاً بعد از هر شکستی که بالاخره همه می‌فهمند به جای بررسی دقیق شرائط و عوامل آن و استفاده از تمام نظریات و انتقادات فرماندهان جز ورزمندگانی که شاهد تضایب و مصائب بوده‌اند یک سری خلاف واقعا و پیروزیهای خیالی و تهدیدهای تو خالی در رسانه‌های گروهی و نماز جمعه‌ها تحویل خلق الله داده می‌شود که باعث تعجب حاضرین در جبهه‌ها می‌شود و تمام قصورات و تقصیرات زیر پوشش تبلیغات قرار می‌گیرد و افراد مقصر یا خاطی هیچگونه احساس ترس یا نگرانی نمی‌کنند و یا بگردن یکدیگر می‌اندازند و مرتباً خطا روی خطا و شکست روی شکست نصیب انقلاب و مردم می‌شود.

۲ در مورد امور سیاسی کشور هم وضع بهتر از جبههها نیست. کار جنگ قدرت و خط بازی و تلاش هر طیفی برای تحقیر و حذف حریف خود از صحنه مسئله جنگ و جبههها را که مسئله اصلی کشور است تحت الشعاع قرار داده تا جانی که عسکری از وزرا از نخستوزیر بیگانانندو بجای هم‌آهنگی و سعی در رفع مشکلات در فکر خنثی کردن اقدامات یکدیگر می‌باشند.



وزرا گله می‌کنند که ما از تصمیمات دولتی اطلاعیم و تصمیمات را در روزنامه می‌خوانیم و نخست‌وزیر هم مدعی است که وزرایی که مرا قبول ندارند به من تحمیل می‌شود بزرگترین ضعفی که در دولت وجود دارد و تقریباً آن را در بعضی موارد فلج کرده ناهمبندی و رو در رویی بعضی از وزرا با نخست‌وزیر است. بزرگترین ضعفی که علنی شدن و انتشار تعیین حضرتعالی نسبت به آقای موسوی به صلاح حضرتعالی نباشد چون در آینده اگر ضعفی در کار پدید آید به حضرتعالی مستند می‌شود و کسی فعلاً که صلاح چنین دیده‌اید و با اظهار نظر حضرتعالی ایشان به مجلس معرفی می‌شوند اگر همچون گذشته فشار از طریق آقایان برای تحمیل وزرای خاصی اعمال شود کابینه آینده همچون گذشته ناهمبند خواهد بود و این معنی صددرصد به ضرر کشور است که نیاز به برنامه صحیح و تصمیمات قاطعانه همبند دارد. این جانب نظرم را هم به آقای خامنه‌ای و هم به آقای موسوی گفتم که نباید نخست‌وزیر در انتخاب وزرا تحت فشار قرار گیرد بلکه باید به او آزادی داده شود تا هر کسی را با خود همبندی داند انتخاب کند و متقابلاً رئیس‌جمهور و مجلس از او کسار جدی و انجام مسئولیت و رفع مشکلات موجود را بخواهند و خلاصه باید بهانه‌تحمیلی بودن وزرا از ایشان گرفته شود.

۳ در مورد حکم اخیر حضرتعالی به تاسیس قوای سه گانه در سپاه، بنظر می‌رسد در شرایط جنگی و آمادگی بسیاری از افراد ارتش برای اخلاص و فرار و عصیان این تصمیم بسا عوارض نامطلوبی را به دنبال داشته باشد. از اول ممکن بود ارتش را به تدریج و بدون سر و صدا تصفیه با سرمایه‌گذاری فکری و تربیتی جاذب و صحیح نه با این سیاسی عقیدتی فعلی اصلاح و آماده کرد و با افراد جوان و فعال آن آموزش‌های دینی و انقلابی داد با حفظ بافت و نظامی که از مزایای ارتش است. ولی متأسفانه همه تشویق و تقدیر ما متوجه سپاه با همه خط‌بازها و جنگ‌های سیاسی موجود در آن شد و ارتش روز بروز تحقیر شد و حکم اخیر حضرتعالی علاوه بر مشکلات اقتصادی آن و نداشتن ارز کفایت و تجربه پنج‌ساله به منزله تیر خلاصی بود که آخرین امید ارتش را از جمهوری اسلامی قطع نمود و فعلاً در این شرایط سخت نه ارتش دلگرم داریم و نه سپاه مجهز قوی زمانی مخلص به عرض رساندم که وجود دو نیروی مسلح مستقل قوی ممکن است در آینده در اثر رقابت برای کشور مشکلات ایجاد کند باید برای آینده ارتش را تصفیه و تربیت و متعهد نمود و حفظ سرزهای کشور در قبال هجوم اجانب را به آن محول نمود و بسیج هم نیروی مستقل ذخیره باشد که در مواقع ضرورت به کمک ارتش بشتابد.

و سپاه باید به تدریج به داخل کشور باز گردد و از انقلاب پاسداری کند و کسب به تدریج در سپاه ادغام شود ولی با دستور فعلی حضرتعالی مسئله تراحم و رقابت ارتش و سپاه یکجا می‌انجامد خنثی می‌داند. اینکه بارها افسران ما بخصوص خلبانان با هواپیما یا هلیکوپتر به عراق یا جاهای دیگر فرار کرده‌اند ولی تا حال یک افسر عراقی با همه مشکلات آنجا به ایران فرار نکرده حکایت از دلسردی و عدم اعتماد ارتش ما و دلگرمی ارتش عراق دارد.

۴ یکی از مشکلات مهم کشور نیز مشکلات امور قضائی و عدم انجام و عدم جادیت دستگاه قضائی است که قهر افراد فاضل و متعهد کمتر جذب می‌شوند و با کمبود قاضی و دلسردی قضات و چه بسا رشوه و کم کاری مواجه می‌باشیم و مشکلات زندانها نیز معلول مشکلات قضائی است.

۵ بالاخره فعلاً مسئله جنگ تحمیلی مهمترین مسئله است و من مطمئنم که بین ارتش و سپاه هم‌آهنگی وجود ندارد و هیچ یک زیر بار فرماندهی دیگر نمی‌روند و یکدیگر را قبول ندارند و فعلاً اثر موعظه و نصیحت هم موقت است و جنگ بیش از هر چیز نیاز به فرماندهی واحدی که مورد پذیرش باشد دارد و الا تلفات زیاد و بازه بسیار کم خواهد بود بنظر می‌رسد چون آقای خامنه‌ای تا اندازه‌ای از وضع جنگ و جبهه و ارتش با اطلاع است چه مانعی دارد فرماندهی حملات را ایشان عهده دار شوند و چنانچه بنی‌صدر منتهی در جبهه بود ایشان هم در وقت حملات کارهای تشریفاتی را رها و با رعایت تشر و احتیاط در جبهه باشند و مستقیماً نظارت و فرماندهی کنند و بلکه در آنجا با مشاهده اوضاع از نزدیک بتوانند بسیاری از مشکلات را نیز حل نمایند. قدرت فرماندهی ایشان از آقای هاشمی بیشتر است. باشد خداوند تبارک و تعالی کمک کند و پیروزی را نصیب لشکر اسلام نماید، انشا الله تعالی.

۶ در خاتمه با کمال معذرت از اطاله کلام به عرض می‌رسانم: در اثر حساسیت وضع فعلی و پیچیدگی مسائل کشور و انقلاب و بالاتر از همه مسائل جهانی اسلام و مسلمین از یک طرف، و از طرف دیگر کثرت توقعات و انتظارات جهان اسلام از حضرتعالی و سران سه قوه کشور نیز هم کارشان زیاد است و هم در برخی مسائل تخصص ندارند و نمی‌شود همه امور بقیان محول شود می‌گویند پیغمبر اکرم دهنر مشاور از قبائل مختلف داشتند لذا بسیار مناسب است حدود دهنر از صاحبان فکر و بصیرت در رشته‌های مختلف از جنگ و اقتصاد و فرهنگ و سیاست با رعایت تعهد به تدریج شناسائی و انتخاب شوند و ضمناً یکی دهنر هم از افرادی که به انقلاب و اسلام اعتقاد دارند ولی از جهاتی مخالف‌خوانی می‌کنند نیز در میان آنان باشد تا افکار در اثر برخورد پخته شود و سعی شود از افراد غیر شاغل فارغ‌البال که فرصت بحث و فکر داشته باشند انتخاب شوند و کار آنان فقط فکر در مسائل کشور و ارائه طرح و خطوط کلی به دولت و مسئولین اجرایی باشد، و در ضمن نتیجه‌افکارشان نیز ملخصاً به حضرتعالی کتباً یا شفاهاً گزارش شود و از طرف حضرتعالی نیز در مسائل مهم از آنان نظر خواهی شود.

و لازم نیست اسامی این هیئت و نحوه کارشان اعلام شود بلکه باید این شورا علنی و آشکار و شناخته شده نباشند. بنظر می‌رسد این کار اگر فرضاً نفع نداشته باشد ضرر هم قطعاً نخواهد داشت، و این موضوع منافات با مشورت با سران سه قوه کشور یا احاله بعضی از امور به آنان نخواهد داشت. والسلام علیکم و ادم‌الله ظلمکم الشریف

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۲۸: نامه معظله به امام خمینی در مورد ضعف عملکرد شورای عالی قضایی و ایجاد گروه‌گرایی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی  
تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

محضر مبارک آیتالله العظمی امام خمینی مدظله العالی  
پس از سلام، با اینکه مدتی است موفق به زیارت حضرتعالی نشدهام و تصمیم داشتم برای امور جاریه کشور که طبعاً هر کدام مسئولی دارد مزاحم اوقات شریف نشوم ولی بر حسب احساس وظیفه شرعی لازم دانستم به نحو اجمال خاطر حضرتعالی را به جریاناتی که در مهمترین ارگانهای ضامن بقا انقلاب و کشور میگذرد جلب کنم:

۱- ضعف شورایی قضایی و بالنتیجه دادگاههای انقلاب به حدی است که افراد صادق و متعهدی که خود در متن آنها هستند میگویند اوضاع جاری زندان اوین و بسیاری از زندانهای شهرستانها از قبیل اعدامهای بیرویه و احیاناً بدون حکم قضات شرع یا بدون اطلاع آنها و گاهی به رغم مخالفت با آنها و ناهمبندی بین دادگاهها و احکام صادره و تاثیر جوهسا و احساسات و عصبانیتها در احکام صادره و حتی اعدام دختران سیزده چهارده ساله به صرف تندزبانی بدون اینکه اسلحه در دست گرفته یا در تظاهرات شرکت کرده باشند کاملاً ناراحت کننده و وحشتناک است، فشارها و تعزیرات و شکنجههای طاقت فرسا رو به افزایش است. آمار زندانیان به حدی است که بسا در یک سلول انفرادی پنج نفر باید با وضع غیر انسانی بمانند حتی به آنها نوعاً امکانات نماز خواندن هم داده نمی شود، و به تعبیر یکی از قضات شرع هرج و مرج و خود مختاری مسئولین بازجویری و بازجویی سخت نگران کننده است. اعدامهای اخیر معمولاً از مهرهای رده سوم و چهارم و سمپاتهامی باشد و مهرهای اصلی کاملاً به کار مشغولند و از اعدامشدگان قهرمان سازی کرده و افراد دیگری را به دام انداخته و به میدان می فرستند. اگر مهرهای اصلی و موثر اعدام می شدند و کار توجیهی روی اغفالشدگان انجام می شد نظیر آنچه با گروه فرقان انجام شد امید بود که ریشه این گروهها و فکر آنها کنده شود، ولی با زیاد شدن آمار معدومین ممکن است در کوتاه مدت جریان ترور ضعیف گردد ولی بالاخره باشکله و تجربیات پیچیدهتری جوانه می زنند و مشکل همچنان باقی است. زرمههایی حتی از خانوادههای متعبد و مذهبی شروع شده که معلوم نیست گسترش نیابد، چون خون طبعاً تحریک کننده عواطف و احساسات است، و بالاخره اموری در زندانها میگذرد که اگر حضرتعالی اطلاع داشتید قطعاً به آنها رضایت نمی دادید. البته این مطالب را کسی به حضرتعالی می نگارد که از اول مخالف گروهها بوده و از آنها همضربه خورده و سعی دارد عقل و فکر را حکم قرار دهد و تحت تاثیر احساسات آنی واقع نشود.

۲- سپاه پاسداران تقریباً به صورت اهرم گروهها و افراد درآمده، در برخوردها و تصفیها و عزل و نصبها کمتر تقوی و خط اسلام و رهبر مطرح است، و بسا احیاناً به جای تصفیة افراد مشکوک یا مظنون افراد صالح و مفید تصفیة و حقوق آنان قطع می شود، و پیش بینی می شود اگر سپاه این وضع بیش برود در آینده نزدیکی این ارگان انقلابی متلاشی یا به صورت یک ارگان انتظامی بی خاصیتی درآید. لازم است به هر نحو ممکن سپاه از گروه بازی نجات یابد و نمایندگی حضرتعالی در آن به شکل فعال و موثر در آید. والسلام علیکم و ادا الله ظلمکم

۲۸ ذی القعدة ۱۴۰۱

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۲۹: نامه معظله به امام خمینی در مورد سپاه پاسداران و مسائل جنگ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

محضر مبارک رهبر بزرگ انقلاب آیتالله العظمی امام خمینی مدظله العالی  
پس از سلام و دعا برای سلامت وجود حضرتعالی و پیروزی رزمندگان عزیز به عرض می رساند: با اینکه می دانم حضرتعالی نسبت به مسائل جنگ و آنچه در جبههها میگذرد اهمیت فوق العاده می دهید و از خسارات جانی اخیر نگران می باشید ولی به نظر رسید آنچه را احساس نموده از طرق مختلف دریافتام برای اسقاط تکلیف به عرض برسانم، والامر الیکم. اینجانب پس از اطلاع از جریانات مختلف داخل سپاه در طی بیش از یک سال و با اتکا به گزارشهای مستند و بدون غرض از طرف افراد متدین و خیر احساس می کنم که سپاه با همه محسناتش و با اینکه خدمات ارزنده سپاه به انقلاب و کشور مغفول عنه نیست ولی معذرت باریه فعلی فرماندهی و خط فکری که دارد مثل سابق قدرت جذب نیروهای لایق و با کفایت را ندارد و آثار آن در جبههها کاملاً محسوس است و با اینکه پس از رکود چندین ماهه جبههها مجدداً با توصیهای حضرتعالی و دیگران جبههها گرم شد و نیروها سیل آسا سرازیر جبههها شدند ولی مسأله مهم کشف رمز عدم استفاده از این همه نیروی بسیج و مردمی است که فعلاً در جبهه جمع شده اند و بسیاری از آنان بخاطر نبودن طرحی صحیح یا شهید و مجروح و اسیر و یا بیکار و سرگردان و نا امید از آینده وقت کشتی می کنند، البته این حقیقت که جنگ جنگ است و دشمن مجهز به سلاحهای مدرن شش و غرب می باشد قابل انکار نیست ولی آنچه موجب نگرانی و تاسف است اینکه با این همه خلوص و فداکاری ملت و جوانان ما چرا مسئولین جنگ نسبت به حفظ جان آنان و تهیه تدارکات ممکنه از پیش و پیش بینی راه حلی برای مشکلات محتمله و تهیه طرحهای پخته و مطمئن که حتی المقدور تلفات کمتر و بازده بیشتر باشد اهتمام ندارند. سپاه که خود راصاحب اصلی جنگ و فتوحات احتمالی آینده می داند تقریباً گرفتار یک نحو خود محوری شده و اصلاً متخصصین نظامی و بجبهه های مخلص جهاد سازندگی را به حساب نمی آورد و بلکه آنان را تحقیر می نماید و بدون تهیه امکانات لازمه و پیش بینی شکستهای محتمله و بی اعتنائی به اعتراضات و پیشنهادات متخصصین با عجله در چند محور حمله می کند و وقتی شکست می خورند و تنها در حمله خیر متحمل چند هزار شهید و بیش از ده هزار مجروح می شویم و عدهای هم در جزایر مجنون بدون امکانات و تدارکات لازمه محصور می شوند و هر آن احتمال تلف آنان می رود، تازه به فکر ساختن راه می افتند که اقلاً دو ماه طول می کشد در صورتی که هدف ما این جزایر نبوده و نیست و آقای سرهنگ شیرازی مدعی است که من تمام این نقطه ضعفها و خطرها را قبلاً کتبا گوشزد کرده ام و توجهی نشد. بجا است حضرتعالی ایشان را بخواهید از او هم توضیحاتی بخواهید

در صورتی که افراد آنها مخصوصا هوانیروز خدمات شایانی انجام دادند و می دهند و بجبهه های جهاد همی گویند ما پیشنهاد کمک کردیم و رد شد ولی حالا از آنها کمک می خواهیم. مساله مهمتر اینکه چند شکست فاحش متوالی را که ملت ایران و همه دنیا فهمیدند پیروزی قلمنداد و برای جبران حیثیت خودشان از حضرتعالی مایه می گذارند، بجا است حضرتعالی فقط به گزارش مسئولین اکتفا نکنید و یا اقلا آنها را محور فرمایشات خود قرار ندهید چون فرمایشات شما در سطح جهان منعکس می شود الان فرمایشات حضرتعالی و صحبت های آقای هاشمی جدا مورد سوال و اعتراضات افراد مخلص شده است و از جبهه های زیاد سوال می کنند که ما شاهد حقایق هستیم چرا تا این اندازه مطالب خلاف واقع گفته می شود، اظهارات خلاف واقع در روحیه خود رزمندگان که در صحنه هستند اثر معکوس دارد و آنان را دل سرد می کند البته بسا مثل آقای هاشمی یا صدا و سیما لازم باشد برای حفظ روحیه مطالبی حماسی بیان کنند ولی نه اینکه صریحا خلاف واقع باشد و نه اینکه چندین میلیارد بشکه نفت جزایر مکرزا عنوان شود و قداست هدف ما را در جنگ لکنادر کند و مردم عراق را علیه ما تحریک نماید و رادیو عراق هم روی آن مانور بدهد، ما هم در چیلات هم در جزایر هم در خیبر شکست خوردیم و بسیاری از جبهه های معصوم بی تجربه تعلیمات ندیده را به شهادت یا اسارت دادیم و دنیا را پر از تسلیحات غلط کردیم در صورتی که نه راه بصره بغداد را قطع کردیم و نه در تیر رس ما است و نه بین دو سپاه عراق جدایی انداختیم و تنها در حمله خیبر چندین هزار شهید و بیش از ده هزار مجروح و عذای اسیر دادیم، از یک شهر کوچک نجف آباد حدود پانصد نفر شهید و مفقود شدند و بعلاوه نیروهای ما در جزایر مجنون بدون امکانات و نداشتن مهمات سنگین هر آن در معرض خطر شهادت یا اسارت می باشند، حالا مسئولیت این همه تلفات و خسارات و مسئولیت علفانی و سردرگمی صدها هزار نیروی معطل که اگر به کار گرفته نشوند پراکنده می شوند و دیگر به این زودی ها جمع آنان میسر نیست با چهارگان و چه شخصی است خدا می داند؟

برای جبهه و جنگ باید فکر اساسی بشود و با تضاد ارتش و سپاه جنگ منظم و تحصیل پیروزی بسیار بعید است، و همین طور که در ملاقات اخیر عرض شد اطراف بصره همه خور است و شط است و رودخانه و مشکلات الی ما شا الله، وانگهی فرضا بصره فتح شود عراق فتح نشده است عراق بدون بصره مفروض است ولی عراق بدون بغداد فرض نمی شود و به جای ریختن این جوانان عزیز در خور و شط اگر دو نیروی مجهز تهیه می شد یکی برای شکستن خط دشمن در جبهه مندلی و دیگری برای حرکت به طرف بغداد احتمال پیروزی بسیار قویتر بود، از مندلی تا بغداد حدود صد کیلومتر است و اگر بغداد در تیر رس تیرهای ما قرار بگیرد سقوط صدام تقریبا حتمی است البته اگر تصمیم گرفته شد باید فکر همه جوانب بشود. در خاتمه یک نکته اساسی را یاد آور می شود و آن اینکه تضاد سپاه و ارتش و خود محوری سپاه و تحقیر ارتش برای آینده کشور خطرناک است، من در روزهای اول تصویب قانون اساسی این جهت را پیش بینی می کردم منتهی نظر بر این بود که وظیفه ارتش دفاع از کشور است در مقابل دشمن خارجی و وظیفه سپاه پاسداری از انقلاب و حفظ آن در مقابل دشمنان داخلی است، و بالاخره باید برای آینده بر این اساس طرح ریزی شود پس باید روی ارتش کار شود و تصفیه و تهذیب گردد و نیروهای مردمی و بسیج هم به آن وابسته شود تا یک ارتش قوی و مجهز و متخصص در فنون نظامی داشته باشیم، همه چیز در دنیا تخصص لازم دارد. قطعا جنگ و امور نظامی بیشتر به تخصص نیاز دارد چرا با اینکه عراق از نظر جمعیت ثلث ایران است و نه سپاه دارد و نه بسیج حدود چهار سال است می جنگد این امر فقط برای ارتش مجهز و متخصص آن است. حالا اگر تعهد و تهذیب دینی و اخلاقی نیز به تخصص و نظم ضمیمه شود قهرا نیروی ایده آلی خواهد بود. از بی نظمی های سپاه اینکه حدود بیست فقره انفجارهای مهم در مهمات ما به وسیله سپاه رخ داده و این بی نظمی ها در ارتش وجود ندارد. نامه به طول انجامید و مطالب تمام نمی شود و رعایت حال حضرتعالی برای ما از اوجب واجبات است. والسلام علیکم و اداء الله تظلمکم

۳/۲/۱۴۰۴

حسینعلی منتظری

محضر مبارک رهبر بزرگ انقلاب آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی  
پس از سلام، پیرو نامه قبل مختصرا به عرض می رساند:

- ۱ آقای هاشمی رفسنجانی در تلفن با ناراحتی می گفت که آقا فرموده اند: یک وقت فلانی کلماتی می گوید. آیا حضرتعالی احتمال داداید که من فکر نکرده مطلبی را که محرمانه به حضرتعالی نوشتام در ملا عام هم بگویم و یا اشکال به اصل نوشتن اینجانب بوده است؟
- ۲ با وجود این همه نیرو از طبقات مختلف در جبهه ها و بودن فضلا و اهل علم در آنجا، قهرا اخبار جبهه ها در انحصار افراد خاص نیست و از کانالهای مختلف اخبار جبهه و اعتراضات می رسد.
- ۳ برای مردم چه باید گفت یک مساله است و بررسی دقیق از آنچه واقعا در جبهه ها انجام شده و می شود مساله دیگری است و جواباسکاتی و توجیهی به مردم نیز اثر موقت دارد.
- ۴ منظور این نیست که نباید جنگید منظور این است که از کجا باید حمله کرد و به چه نحو باید جنگید و آیا جان این همه جوانهای مردم کدر اثر بی اعتنائی و بی احتیاطی و پخته نبودن طرحها و طراحین و نرساندن مهمات با تمکن و شناسایی نکردن منطقه تلف می شوند ارزش دارد یا نه و جواب مردم و معترضین را چه باید گفت و آیا هر چیزی به تخصص نیاز دارد ولی جنگ به تخصص نیاز ندارد؟
- ۵ آیا گزارش افراد خاص فقط معتبر است و یا به گزارش فرماندهان نظامی و مسئولین جهاد سازندگی و نماینده خود حضرتعالی در جهاد و بعضی از فرماندهان رده دوم سپاه که همه در صحنه بوده و معترضند نیز باید گوش داد.
- ۶ ضمنا در حمله خیبر فقط تلفات نجف آباد فقط از قرار معلوم حدود هزار نفر است. حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۳۰: نامه آقای منوچهر قربانی فر در مورد مکفارلین، که رونوشت آن را برای معظم‌له ارسال نموده بود.

بکلی سری

۶۵/۴/۱۸

گزارش در ده صفحه

بنام خدا

برادر عزیز و ارجمندم، آقای محسن کنگرلو

با عرض سلام، لازم است در مورد مسئله آمریکاییها که یک سال است وقت همه را گرفته و هم اکنون شکل و حالت ناخوشایندی بخود گرفته‌است، نکات ذیل را بعرض برسانم. اگر بخاطر داشته باشید من روز دوشنبه و سه شنبه ۹ و ۱۰ تیر ماه جاری مذاکرات مفصلی تلفنی با جنابعالی بعمل آوردم و گفتم سیاست یعنی موقع شناسی و بهره برداری از موقعیتها و شناخت زمانهای مساعد و مناسب برای بهره برداری و گرفتن امتیازات، من توضیح دادم که روز جمعه ۱۳ تیرماه جشن دویست و دهمین سالگرد استقلال آمریکا و جشن یک صدمین سال بریایی مجسمه آزادی در نیویورک است و بدین مناسبت جشن بسیار با شکوهی به نام روز آزادی در نیویورک در پای مجسمه آزادی برپا می‌گردد که آمریکاییها آنرا جشن قرن می‌نامند و رئیس‌جمهور آمریکا و رئیس‌جمهور فرانسه میهمانداران این جشن خواهند بود، چون روز آزادی و جشن آزادی است اگر ما روز پنجشنبه ۱۲ تیرماه وساطت کنیم و کشیش گروگان آمریکایی در بیروت را آزاد کنیم و او در این جشن حضور یابد، چون یک مرد روحانی نیز می‌باشد می‌توانیم بهره برداری زیادی نموده و بسیاری از خواستههای خود را از آمریکاییها بگیریم که البته طبق معمول کسی به این توصیه من گوش نکرد، در حالی که آمریکاییها انتظار داشتند ما حداقل این قدم را برایشان برداریم.

به هر حال آمریکاییها می‌گویند، پس از آنکه سال قبل ایرانیها با وساطت خود موجب آزادی یک کشیش آمریکایی (شبیخ، ج) گرفتار در بیروت را فراهم آوردند، که البته ما هم قبل از این کار ۵۰۴ موشک جت به عنوان نشانی حسن نیت و یک قدم مقدماتی در اختیارشان گذاریم، و در طول سال گذشته یعنی از آن زمان تا کنون ما آمریکاییها قدمهای مثبت و سازنده ذیل را به نشان حسن نیت و نهایت احترام بعرض جمهوری اسلامی برداشتیم ولی در مقابل ایرانیان کوچکترین قدم و یا نشانی در جهت بهبود روابط حتی به طور سری برداشتند.

۱ پس از آزادی کشیش هرکجا و هر زمان مقامات آمریکایی نامی از کشورهای حامی تروریسم و تروریسم‌پرور به میان آوردند نام ایران نبوده و ریاست دیوان عالی کشور آمریکا در یک مصاحبه رسمی از کشورهای لیبی، سوریه، یمن، جنوبی، کوبا، به نام کشورهای حامی و تقویت‌کننده تروریسم یاد کرد.

۲ در رابطه با جنگ ایران و عراق، وزارت خارجه ما طی اعلامیه رسمی استفاده از سلاح شیمیایی را به شدت محکوم کرد.

۳ سفیر آمریکا در سازمان ملل اولین کسی بود که رای به محکومیت رسمی عراق برای کاربرد سلاحهای شیمیایی داد.

۴ اعلامیه رسمی در مورد سازمان مجاهدین خلق که سازمانی تروریستی و مارکسیستی است و بخشنامه به کنگره و کلیه کمپانیها و موسسات آمریکایی و توقف هرگونه مساعدت به مخالفین رژیم جمهوری اسلامی ایران.

۵ مخالفت با کاهش قیمت نفت، بطوری که معاونت ریاست جمهور آقای جورج بوش در دو سخنرانی و مصاحبه رسماً اعلام داشتند، سقوط قیمت نفت در نهایت به ضرر ایالات متحده آمریکا خواهد بود و قیمت نفت باید افزایش یابد.

۶ اعزام دو هواپیمای آمریکایی با بیش از یکهزار موشک جت در دو نوبت با قیمت تمام شده برای خودمان.

۷ فرستادن یک هیئت عالی‌رتبه ۵ نفره از کاخ سفید و وزارت دفاع برای ملاقات با آقای کنگرلو و هیئت همراه ایشان و دادن قسمتی از اطلاعات نظامی مقدماتی در مورد عراق که قرار شد در جلسات بعدی و توافق نهایی اطلاعات کاملتر و جامع در اختیار گذارده شود.

۸ ورود هیئت بسیار بلند پایه کاخ سفید به ریاست آقای رابرت مکفارلین دستیار و مشاور ویژه آقای ریگان و ۵ نفر همراهان سویل و نظامی عالی‌رتبه و اقامت چهار روزه آنها در تهران که بیش از یک پنجم وسائل یدکی سیستم موشکی مورد درخواست را نیز با خود همراه آورده بودند، بعلاوه اطلاعات کامل نظامی و فنی و اطلاعاتی در مورد چگونگی تهدیدات دولت روسیه شوروی نسبت به ایران و طرح نظامی و سیاسی آن دولت با جزئیات کامل برای هجوم به خاک ایران و فعالیتهای روسیه شوروی در کردستان بلوچستان عراق و همکاریهای آن دولت با مخالفین کمونیسم رژیم اسلامی و مهتر از همه اعلام نظر صریح و روشن دولت آمریکا که ما رژیم جمهوری اسلامی را تثبیت شدو مورد احترام می‌دانیم و هیچ گونه مخالفتی با آن نداشته و تعهد می‌کنیم که به هیچ وجه قصد تحت نفوذ در آوردن و یا تغییرات و یا دخالتی در امور داخلی آنرا نداریم و سپس تسلیم صورت جلسه کامل و موافقت نامهای بود که نشان دهنده حسن نیت و همراهی کامل آمریکا با جمهوری اسلامی بخصوص در رابطه با جنگ و مسائلی است که این رژیم را تهدید می‌کند (لطفاً آن صورت جلسه را مجدداً و دقیقاً مورد بررسی قرار دهید).

آمریکاییها می‌گویند، می‌دانید که چه رفتار توهین آمیز و غیر دوستانه‌ای با ما به عمل آمد و دست خالی ما را که سفیر دوستی و یاری بودیم بازگردانند، که شرح آن را خود آقایان بهتر از هر کس می‌دانند.

همانطور که آگاهید مقامات آمریکایی در تهران بارها تاکید کردند که در مقابل آنچه پیشنهاد نموده‌اند فقط انتظار دارند که مقامات ما وساطت و ریش سفینی نموده و با استفاده از نفوذ مذهبی و معنوی خود موجبات اخلاص چهارنفر گروگان آمریکایی را که بیش از دو سال است در حیرت گرفتار شده‌اند فراهم آورند و یا این عمل انسانی هم خانواده‌ها و فرزندان خردسالی را که به انتظار دیدار پدرانشان می‌باشند نشود فرمایند و هم دست مقامات آمریکایی را از هر نظر باز کنند تا با پشتیبانی‌های سری و لازم در پشت سر شما قرار گیرند.

آنها صریحاً روشن کردند که از نقطه نظرهای سیاسی، اقتصادی، تسلیحاتی آمادگی کامل همه گونه همراهی و همکاری را دارند

ولی بشرط آنکه این مساعدتها به حساب گروگانها گذاشته نشود و به حساب حسن روابط و حسن نیت و دوستی و مهر ایالات متحده آمریکا منظور گردد. قبل از آمدن من و هیئت آمریکایی به تهران یعنی چهارم خرداد ۶۵ توافق کلی بر این مبنا بود که به محض ورود هیئت عالیرتبه و بلند پایه آمریکایی به تهران که مقداری از وسایل مورد درخواست را با خود خواهد آورد، مقامات ایرانی با وساطت فوری موجبات آزادی یکجا و دستجمعی گروگانهای آمریکایی را در بیروت فراهم آورند و بلافاصله پس از آن بقیه وسایل مورد درخواست ایران وارد تهران گردد و هیئت آمریکایی آنقدر در تهران بماند تا بقیه تجهیزات از جمله رادارهای بزرگ ت. ب. نیز وارد تهران شوند. نسبت به تامین بقیه نیازهای تسلیحاتی ایران توافق و تعهد رسمی به عمل آمده و در زمینهای سیاسی و اقتصادی نیز موافقتهای سری حاصل گردد و پس از انجام تمام این مراحل آمریکاییها تهران را ترک نمایند، اما با اینکه هیئت ده نفری آمریکایی و هواپیمای غول پیکر اختصاصی آنها چهار روز در تهران ماندولی متاسفانه به جایی نرسیدیم، بخوبی بخاطر دارید که در روز آخر اقامت آنها جناب آقای دکتر نجفآبادی در حضور جنابعالی و آقای دیگرچندین بار اصرار کردند که موافقت شود که فعلا وساطت شود و دوگروگان آزاد گردند ولی آقای مکفارلین نپذیرفتند و حساب داد ما اینجا آمدهایم که مسائل اساسی و استراتژیک و مهم را حل و فصل کنیم و در کنار شما بایستیم و اینکار باید یکجا حل شود تا مشکلی در این راه نباشد و راه یک باره برای همه چیز و همه کار هموار گردد. لازم است خاطر نشان سازم در سال ۱۹۸۵ چهل و پنج هزار و هفتصد و شصت آمریکایی جان خود را در بزرگ راههای آمریکا از دست دادند و در همان سال یکهزار و سیصد و یک نفر آمریکایی در اثر گیر کردن لقمه در گلویشان فوت کردند (شکموها) اما نباید آمریکاییها را چنان تحت فشار بگذاریم که این چهار نفر را هم جزو آمار فوق به حساب آورند و ما این فرصت تاریخی را همراه با یک سال رنج و مشقت و صرف هزینههای فوقالعاده برای من از دست بدهیم.

مسی دانسید که ۴۵ روز است اینکار گره خورده، من به شما اطمینان می‌دهم که آمریکاییها نه می‌توانند و نه خواهند توانست قدمی دیگر در این راه بردارند، مگر آنکه ما حداقل آنچه را که آقای دکتر نجفآبادی اصرار می‌کردند در ابتدا و مقدمات انجام دهیم و به نظر من هرچه می‌خواهیم بکنیم و یا هر تصمیمی دارید باید ظرف دو سه روز آینده به مرحله اجرا درآید. اکنون فقط سه راه حل وجود دارد، من آنها را کاملا راضی نموده و با هر سه راه حل موافقت که البته به نظر من قویا توصیه می‌کنم که راه حل اول را انتخاب فرمائید.

۱ شما مبلغ وسایل وارد شده به علاوه وسایل کسری ۱۷۷ قلم را نقد و فورا بپردازید و مابه التفاوت بقیه ۲۴۰ قلم و مبلغ دو ت. ب. را چک بانک ملی ایران شعبه لندن به تاریخ ۳۰ ماه ژانویه یعنی ۲۱ روز دیگر بدهید.

۲ در همان شب وساطت نموده و دوفنر را از گروگانها را آزاد نمایید.

۳ آمریکاییها تا حد اکثر ۲۴ ساعت بعد از این عمل کلیه ۲۴۰ قلم کالا یعنی حدود چهار هزار عدد وسایل بدکی و دو ت. ب. غول پیکر را در تهران و بندرعباس تحویل خواهند داد.

۴ بلافاصله پس از تحویل کامل و دقیق کلیه وسایل فوق شما نسبت به آزادی دو گروگان باقیمانده اقدام فوری نموده و ضمنا از نظر انسانی و مذهبی وساطت نمایند تا محل دفن گروگانسی را که سال قبل فوت شده است (چپساج. ج) نشان دهند تا جسد او نیز به آمریکا حمل و در کنار گور مادرش که چنین وصیت نموده است دفن گردد.

۵ ۷۲ هفتاد و دو ساعت پس از تحویل کلیه ۲۴۰ قلم وسایل هاگها و دو ت. ب. و آزادی تمام گروگانها، هیئت بلند پایه آمریکایی در ژنو یا فرانکفورت یا تهران به نظر شما حضور خواهند یافت و دقیقا در مورد مفاد صورت جلسه پیشنهادی اقدام نموده و متعهد خواهد شد و به علاوه بقیه ت. ب. ب. اچپیها و وسایل بدکی هلی کوپترها و کلیه احتیاجات مورد نیاز ارتش ایران را بررسی و در این مورد توافق و تاریخ تحویل آنها مشخص و معین می‌گردد، درحالی که آمادهاند کارشناسان فنی و ماشین آلات آزمایشی و تعمیراتی را نیز بلافاصله اعزام دارند.

راه حل دوم که زمان بیشتری گرفته و دردهای بیشتری دارد:

۱ شما مبلغ وسایل وارد شده به علاوه وسایل کسری ۱۷۷ قلم را نقد پرداخته و مابه التفاوت ۲۴۰ قلم را چک بانک ملی ایران شعبه لندن به تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۱ روز دیگر صادر و تحویل فرمایید.

۲ در همان شب وساطت نموده یکی از گروگانها را آزاد نمایید.

۳ آمریکاییها ۱۲ ساعت بعد از این عمل کلیه ۲۴۰ قلم کالا را در تهران تحویل خواهند داد.

۴ بلافاصله پس از تحویل کامل و دقیق ۲۴۰ قلم در تهران باید وساطت نموده و در همان روز دو گروگان دیگر آزاد گردیده و مبلغ دو ت. ب. را همان روز پرداخت فرمایید.

۵ حداکثر ۲۴ ساعت پس از آزادی این دو گروگان و پرداخت مبلغ ت. ب. این دستگاههای رادار در بندرعباس تحویل خواهند شد.

۶ پس از ورود کامل و صحیح دو ت. ب. شما نسبت به آزادی گروگان آخر (نفر چهارم) جسد ویلیام ساکلی وساطت و اقدام می‌فرمایید.

۷ ۷۲ هفتاد و دو ساعت پس از تحویل کلیه ۲۴۰ قلم وسایل هاگها و دو ت. ب. و آزادی تمام گروگانهای آمریکایی، هیئت بلند پایه آمریکایی در ژنو یا فرانکفورت یا تهران به نظر شما حضور خواهند یافت و دقیقا در مورد مفاد صورت جلسه پیشنهادی اقدام نموده و متعهد خواهد شد به علاوه بقیه ت. ب. ب. اچپیها و وسایل بدکی هلی کوپترها و بقیه احتیاجات مورد نیاز ارتش ایران را بررسی و در این مورد توافق و تاریخ تحویل آنها مشخص و معین می‌گردد، درحالی که آمادهاند کارشناسان فنی و ماشین آلات آزمایشی و تعمیراتی را نیز بلافاصله اعزام دارند. ۸. من شخصا و شرافتا به هر نحو که شایسته بدانید متعهد می‌شوم و تضمین می‌کنم که بلافاصله پس از انجام مرحله آخر یعنی پس از تحویل ۲۴۰ قلم و دو ت. ب. و آزادی کلیه گروگانهای آمریکایی حداکثر ظرف یک ماه ۳۰۰۰ موشک جت به قیمت سی و هشت میلیون و پانصد هزار دلار (۳۸۵۰۰۰۰۰) یعنی قیمت تمام شده برای خود آمریکاییها و ۲۰۰ دوست عدد موشک باید و سنسور شاتپچ بپايت که به روی هواپیماهای ۴. ب.

و ۵.ب ما مستقر می‌گردد به همان قیامت تمام شده در تهران تحویل دهم، البته اگر پولش را در اختیارم بگذارید نه مثل اینبار که دیگر چیزی برای من باقی نگذاشتید.

راه حل سوم:

برای آنکه ما واسطه خیر بودیم موجب شر نشویم، آمدیم تا وصل کنیم و دوستی ایجاد نماییم نه موجب تفرقه و دشمنی و کدورت بیشتر شویم، چنانچه دو راه حل فوق را صلاح نمی‌دانید بلافاصله و خیلی سریع وسائلی را که آورده‌اند عیناً پس بفرستید تا در قضیه بسته شود وانگار نه اشتري آمده و نه استري رفته است و هرکس دنبال کار خود و راه خود می‌رود، انشا الله در آینده شرایط و زمینه مجددا فراهم می‌گردد و آنگاه اقدام می‌شود، یعنی نباید استخوان لای زخم بگذاریم زیرا دلیلی هم ندارد، اگر من در راه دوستی و خیرخواهی و صداقت و اعتقاد و اعتماد دچار مشکلات عظیم و دردسرهای مادی و معنوی و حیثیتی شدم در راه مهر به میهن و دوستیم با شما بوده و عیبی ندارد. انشا الله چون نیت خیر بوده خداوند منان جبران خواهد کرد. استدعا دارد، در جهت خیر و مصلحت جمهوری اسلامی فوراً و بدون فوت وقت نسبت به انجام این قضیه تصمیم سریع و قاطع اتخاذ فرمایید.

با عرض تشکر و احترام

منوچهر قربانی فر  
امضا ۶۵/۴/۱۹

پیوست شماره ۱۳۱: نامه مجدد آقای منوچهر قربانی فر در مورد مکفارلین، که رونوشت آن را برای معظمه ارسال نموده بود.

بکلی سری است

خصوصی است

۱۳۶۵/۴/۱۹

(گزارش در ۱۹ صفحه)

بنام خدا

حضور برادر عزیز و ارجمند آقای محسن کنگرو

با عرض سلام و ارادت، آرزوی توفیق و سلامتی برای شما و خانواده محترم و التماس دعای خیر برای خود دارم. برادر جان برای آنکه بدانی به خاطر اعتماد و احترام به مسلمانی و شرافت و انسانیت و اعتقاد به مردانگی شما به چه مصیبت و گرفتاری بزرگی دچار شدم، لازم است توجه تان را به مسائل ذیل جلب نموده و توضیح دهم که عدم توجه و دقت جنابعالی چه مسائلی برای یک برادر و یاروفادار و دوست فداکار که همه چیز خود را برای شما و پیشبرد هدفهای مقدسان که پیروزی در این جنگ میهنی و تحمیلی به گرو گذارد هرچند آورده‌اید.

برادر عزیز ترا به قرآن مجید سوگند، ترا به جان بچه‌های عزیزت قسم، من بجز خدمت بجز دوستی بجز فداکاری بجز رنج و زحمت کشیدن چه بدی در حق شما کردم؟؟؟ که شما اینگونه که شرح آن خواهد آمد با من رفتار نمودید.

آیا من از شما انتظار دستمزد و پاداش و حق و حساب و توقعات مادی داشتم؟؟؟ آیا شما تاکنون به من چیزی داده‌اید؟ بجز اینکه صد بار استدعا کردم برای پیشبرد و پیشرفت و تسریع در کارهای خودتان و دست یابی به منابع بهتر مقداری خاویار آنهم به هزینه خود من بفرستید که هرگز نفرستادید و یکبار هم که من خودم خاویار طلایی در تهران با هزار زحمت و هزینه زیاد تهیه کردم و تحویل دفتر شما در تهران دادم، آنها هرگز به من نرسید و معلوم نشد چه کسی و کجا آنها را خورد.

من نمی‌خواهم به خدماتی که به شما و به جمهوری اسلامی در گذشته کردم بپردازم، اما لازم می‌دانم فقط به مسائل همین یکسال گذشته اشاره کنم.

من و جنابعالی مشترکاً بیش از دو سال بود که به هر در زدیم و چه کارها که نکردیم تا موشک تاو جت و سلاحهای مدرن دیگر تهیه کنیم ولی بالاخره به این نتیجه رسیدیم که همه این حرفها دروغ و داستان است و اینگونه موشکها و سلاحهای پیشرفته و بسیار مدرن را فقط از دست دولتها می‌توان گرفت و نه از طریق واسطهها و دلالان، لذا همانطور که از سابقه امر دقیقاً اطلاع دارید بواسطه روابط شخصی و دوستانه خصوصی بین خودم و تنی چند از زمامداران فعلی آمریکا از حزب جمهوری خواه عازم آنجا شدم و با آنها مذاکرات مفصلی کردم و گفتیم و شنیدیم که دوستی همیشه بهتر از دشمنی است و از راه دوستی و صفا است که می‌توان کدورتها و دشمنیها و سو تفاهات و نفاق را زدود و به حسن تفاهم رسید و مسائل واقعی یکدیگر را درک کرد و بعلاوه ما که در جنگ هستیم چه بهتر حتی از راه مصلحت هم شده مریی از خرس بکنیم و از آنها وسائلی بگیریم زیرا هدف ما از این حرفها مقدس‌تر و بزرگتر است و چون از خود اطمینان کامل داشتم و به قول معروف کسی که چیزی بارش نیست هراسی ندارد. فقط با یک پیام تلفنی جنابعالی بلند شده و با یک هواپیمای اختصاصی بزرگ فقط درحالی که ۱۰۴ موشک تاو جت همراه داشتم به تهران آمدم درحالی که قیمت آنها را خودم تهیه کرده و ۲۰ روز قبل از آن به آمریکاییها داده بودم و به خداوندی خدا سوگند از آوردن همان هواپیما ۵۶ هزار دلار هم ضرر کردم و آنرا از جیبم پرداختم و به روی شما هم نیاوردم، گفتم جای دور نمی‌رود و اینهم سهم من برای پیروزی در جنگ و جبران کوچکی از گذشتهها، اگر به بایگانی مراجعه فرمایید به گزارشی برخورد می‌فرمایید که در همان سفر خدمتتان دادم و گزارش جامع و مفصلی بود و امروز که بیش از یک سال از آن زمان گذشته هرآنچه نوشته بودم به حقیقت پیوسته و به خصوص قیمت نفت و مسائل سیاسی دیگر، بگذریم، بعد از آن بلافاصله یک هواپیمای دیگر با ۴۰۰ موشک تاو برایتان فرستادم از آن زمان تاکنون چه‌ها که نگذشته، در یک سال گذشته من به شهادت خودتان که به مسلمانی اعتقاد دارم هر روز و هر شب چند بار بشما تلفن زدم و به طور متوسط فقط بیش از ۳۰۰ دلار روزانه هزینه

مکالمات من با شما شده است.

در یک سال گذشته علاوه ارسال دهها گزارش اطلاعاتی و خبری و گزیننامه و اسناد متفرقه برای شما، موجبات ایجاد حسن تفاهم و درک مسائل و تفهیم نظریات دولت ایران به مقامات کاخ سفید را فراهم آورد و مهتر از همه زمینهای فراهم آوردم که آمریکاییها سرشان را جایپایشان گذارند و به تهران آمدند و در راس هیئت هم دومین شخصیت حزب جمهوری خواه و با نفوذترین شخص روی رئیس جمهور معروف به پسر خواننده ریگان (رابرت مکفارلین) بود که خدمتستان آوردم تا رسماً اعلام کند که جمهوری اسلامی را رژیمی بحق و مردمی و قابل احترام و ستایش می‌دانند و حاضرند محرمانه در کنارمان قرار گیرند تا ان شاء الله کار جنگ را یکسره کنیم و بسا ما دوستی کنند. بعد از خداخود شما بهتر می‌دانید که من در ایجاد دوستی و رابطه ویژه بین ایران و دولت جدید فرانسه نقش اساسی را ایفا کردم و درحالی که به توافق سری و قطعی برای بازگشایی کشتی اول در پاریس دست یافته بودم و همه کارها آماده شده بود، درست روز بعد از آن بدون کوچکترین خبری از طرف شما و بدون اطلاع من جناب معیری معاون محترم نخستوزیر به پاریس تشریف آوردند و درست برخلاف جهتی که من با هزارحمت و حیل رفته بودم حرکت کردند و دو پا را در یک کفش کرد که مسعود و دستگاه او از پاریس باید برود، من همان روز به شما تلفن کردم که به جناب نخستوزیر بگوئید، فوراً به آقای معیری دستور فرمایند که در مورد رفتن مسعود اصلاً پافشاری که نکنند هیچ بلکه بگویند حضور او در فرانسه از نظر ما بلا مانع است، زیرا با حضور او در پاریس بازگشایی فوراً امکان پذیر شده بود، ولی شما گفتید ایشان دیگر رفته است و نخستوزیر چنین کاری نمی‌تواند بکند و بنده هم بالاخره معنی هماهنگی را فهمیدم و نتیجتاً آبروی مرا بردید و اینها فکر کردند که من دروغگو هستم و این حرفها را که باید اجازه دهید ما کشتی اول را بازگشایی کنیم جزو شرایط است از خودم در آورده‌ام، و وقتی خیلی اصرار کردم، گفتند تو چه کارهای و کو اجازه ات؟

نفر دوم دولت خودش اینجاست و می‌گوید برود، تو می‌گویی بار شود برو بابا دنبال کارت گرچه این عمل برای همیشه در ذمه من است و من قاطعانه اطمینان می‌دهم که با نهایت قدرت و سرعت می‌توانم اینسکار را انجام دهم درحالی که درست ۳۹ روز است سر همین قضیه هتل هیلتون ژنو و ماجرای آن من را روی هوا نگاه داشته‌ای و نمی‌دانم چگونه باید از دست اینسکار که تقریباً تمام راه را رفته خلاص شوم.

من در این یک سال گذشته نه تنها هر روز و هر شب چندین نوبت به شما تلفن زده‌ام بلکه فقط سه بار به تهران آمدم، شش بار به آمریکا رفتم و یک بار هم به دستور شما فقط با یک اطلاع ۸ ساعته برای دیدارتان به دبی آمدم و بیش از ۵۰ بار به کشورهای اروپایی و خاورمیانه سفر کرده‌ام، حتماً بیش از ۳۰ بار از نقاط مختلف دنیا فقط برای چند ساعت به فرودگاه فرانکفورت رفته‌ام تا آقای آدم بیک نماینده جنابعالی را ملاقات کنم و اسناد و اوراق و یادداشت‌هایی را به وسیله بیک برای شما ارسال دارم، مخارج و هزینه‌های سرسام آوری را متحمل شده‌ام که فقط خدا شاهد آن است. من هرچه وسایل برای شما حمل شده وجه آنرا دو هفته زودتر به آمریکاییها پرداخته‌ام و آن وسایل به شما تحویل گردید بدون آنکه نامی، تلکسی، تلگرامی، ضمانتی، چکی از شما داشته باشم و همیشه چندین روز پس از تحویل با تاخیر وجه آنها را بازپرداخت کنید، من خواننده بزرگ را به شهادت می‌طلبم و به دوستی دو مرد سوگند می‌خورم، من بجز ضرر مادی و رنج و ناراحتی روحی از دوستی شما چیزی ندیده‌ام و حالا که شما با آمریکاییها در تماس مستقیم هستید، پرسید و تحقیق کنید آیا من بجز ضرر در کار شما نفع دیگری داشته‌ام؟ آنها دولت هستند نمی‌توانند دروغ بگویند و دوستی و رابطه آنها با شما بسیار مهمتر و با ارزشتر از رابطه شخصی من با آنهاست.

هرآنچه کرده‌ام به خاطر آینده و به خاطر دوستی و برای ثبوت حسن نیت و صداقت بوده است من به زحمات و ضررهایی که در مورد بازگشایی کشتی دوم و اعزام دو هیئت برزیلی و سوئیسی و بلژیکی و کانادایی در سه نوبت به تهران و اقامت طولانی آنها و ارسال چندین تن بار آنها که همه به هزینه من انجام گرفت و کوچکترین نتیجه‌ای هم نگرفتم نمی‌خواهم اشاره کنم. من در همین سفر آخر خودم به تهران یعنی ۴۰ روز قبل بیش از پنج طرح مهم اساسی و حیاتی و مادی آوردم که به هیچ کدام از آنها کوچکترین پاسخی هم نداده‌اید، به من دیگر ثابت شده که رنج بیهوده می‌کشم و وقت تلف می‌کنم و این راه به ترکستان است.

اما برادر عزیز شما در مقابل برای من چه کردید؟؟ جز اینکه با این کار آخرتان و عدم پرداخت پول مردم پس از دو ماه مرا به نابودی و به بادرقتن حیثیت اجتماعی و بانکی و سیاسی انداخته‌ای، این است محبتی که بشارت می‌دادید و رفت اسلامی برای آنان که به شما بازگردند؟ من بارها به شما تذکر دادم که به خاطر بسیاری مسائل شخصی و خصوصی من با آمریکاییها که قابل شرح نیست، شما چنانچه موقعیت مرا تحکیم و تقویت کنید، من هرآنچه را که بخواهید و حتی به نظرتان غیر ممکن است می‌توانم از آنها برای شما بگیرم اما شما برخلاف تمام اصول و ضوابط شرع و عرف و سیاست و اطلاعات و انسانیت نامه بکلی سری را که در مورد آنها به شما نوشته بودم که چه چیزها می‌توان از آنها گرفت، آوردید و در هتل هیلتون عیناً به آنها دادید و من برای آنکه به شما ثابت کنم دروغ گو نیستم و یک انسان صادق و فداکار هستم روی یک پا ایستادم و اصرار کردم تا شما مجبور شدید آن گزارش را فتوکپی کرده و به آنها یک نسخه بدهید. اما در مورد این قضیه آخر و آمدن آمریکاییها و مقابله از وسایل یدکی لازم می‌دانم که شرح ما وقع را آنطور که گذشته است دقیقاً بازگو کنم که صددرصد مورد تایید جنابعالی نیز می‌باشد. شما در طی مدت دو روز و چهار ساعت مکالمات تلفنی لیستی کامل با تمام مشخصات را که شامل ۲۴۰ قلم و ۴۰۳۰ عدد وسایل یدکی مختلفه مربوط به سیستم ضد هوایی موشکهای هاگ بود به من دادید و گفتید اگر موافقت کنند که من تمام این وسایل را در اختیار ایران گذارند، ما هم قدمهای مثبت برای آنها خواهیم داشت، من آن لیست را به آمریکاییها دادم، البته این قضیه بعد از آن بود که خود جنابعالی و هیئت ایرانی با مقامات آمریکایی در فرانکفورت ملاقات کرده بودید، آمریکاییها بعد از یک هفته پاسخ دادند که این کار بسیار مشکلی است زیرا مربوط است به سیستم سال ۱۹۷۵ و ما باید آنها را از گوشه و کنار دنیا با مشکلات فراوان تهیه کنیم چون حسن نیت داریم بطور اصولی برای انجام این کار موافقیم، اما لازم است لیست رسمی و کتبی به ما بدهید تا دقیقاً عمل شود جنابعالی هم لیست رسمی را فرستادید، آنها بررسی کردند و گفتند که ۶ قلم از این لیست مقابل مشخصات آن سفید است و ۹ قلم دیگر هبه تولید می‌شود و نه موجود است ولی عدم وجود آنها از



نظر فنی هیچ تاثیری ندارد و در مورد ۱۰ قلم دیگر هم گفتند آن تعدادی که مورد درخواست است فعلا موجود نیست و دو ماه طول می کشد تا آن تعداد را هم تهیه کنیم، من در سه نوبت متوالی این موضوع را که تعدادی مقابل آنها سفید است و تعدادی اصلا موجود نیست و تعدادی هم موقتا یعنی در زمان تحویل کسری دارد با ذکر دقیق شماره و مشخصات آنها در اختیارشان گذاشتم و آقای سام از وزارت دفاع هم که فارسی می داند تلفنی از لندن قبل از آمدن به تهران با شما صحبت کردند و دقیقا این موضوع را به اطلاعاتان رساند، شما فرمودید اشکالی ندارد اما آن اقلامی را که کسری دارند حتما باید تهیه و تحویل دهند و ما عین تعداد مورد تقاضای خود را می خواهیم، آمریکاییها قیمت لیست درخواستی را پس از محاسبه دادند که بیست و چهار میلیون و سیصد و هفتاد و سه هزار و دو صد دلار می شد (۲۴۳۷۳۲۰۰) که باید ده روز قبل از تحویل برداریم و این مبلغ شامل اقلامی که فعلا کسری است نمی شود، من بیش از پنج بار به جنابعالی اطلاع دادم که آقایان لیستی را که درخواست کردهاید منهای رقمهای کسری که بعدا تامین می کنند ۲۴ میلیون و چند هزار دلار می شود که شامل کلیه هزینهها از قبیل چندین بار حمل و جابجایی، بیمه، پاک کردن مارک و آزمایش نهایی و بستن بندی می باشد و یکبار هم که من قبلا به شما اطلاع دادم فردا که تلفنا مذاکره می کنم، آمریکاییها در لندن هستند و روی خط خواهند بود و جنابعالی برای اینکه اطمینان حاصل کنید من دروغ نگفتم، برای چندمین بار و وسط مذاکرات قیمت دقیق را خواستید که من به اطلاعاتان رساندم در حالی که آنها در اطاق بودند و روی خط و مشترکا با شما صحبت می کردیم، فرمودید اشکالی ندارد جنس را حرکت دهید و هرچه بیشتر ممکن است با خود همراه بیاورند اگر ممکن است حتی بیش از ۵ آترا ولی هوایی آنها مارک نداشته باشد و گذرنامههای آنها هم آمریکایی باشد، بار هم مارک نداشته باشد.

من که طبق معمول همیشه وجه جنس را از بانکها موقتا تهیه کرده و به جای شما می دادم به اضلاع رساندم که قیمت جنس این بار فوق العاده زیاد و تامین آن از محل اعتبارات بانکی و نقد کردن سفتههای اعتباری خیلی مشکل است، فرمودید ضمانت نامه بانکی می دهیم، پنج روز به این که چگونه شما ضمانت نامه بانکی ملی بدهید یا بانک مرکزی گذشت و هیچ کس و هیچ بانکی حاضر نشد در مقابل ضمانت نامههای این دو بانک حتی یک دلار هم به ما اعتبار بدهد و گفتند این قانون است به کشور در حال جنگ اعتبار نمی توانیم بدهیم، شما فرمودید معطل نکن کار خراب می شود هرچیز شده تهیه کن به محض ورود می پردازیم اینبار مثل دفعات قبل یکروز هم تاخیر نمی شود می خواهی چک شخصی مرا از آدم بیک در فرانکفورت بگیر و به بانک بده، عرض کردم وقتی ضمانت نامه بانکی ملی و بانک مرکزی را نمی پذیرند چک شما به چه درد می خورد؟ به هر حال با گرفتن سفتههای تایید شده دوست سوری مشترکمان و دو شرکت نفتی که دائما برای آنها از لیجی نفت می خرم و قرار دادن آنها به علاوه تعهدات شخصی از محل اعتبارات در کردیت سوئیس آ. ث. ا ژنو که از آن اطلاع دارید، کل مبلغ را برای مدت سه هفته یعنی تا اول ماه جون وام گرفته و در مقابل چک تضمینی هم به بانکهای لندن دادیم و عینا وجه مسود درخواست را در اختیار آمریکاییها قرار دادیم، در اینجا لازم است خاطر نشان سازم که من طی گزارشی که به تهران فرستادم و حتما کپی آن در بایگانی هست توضیح دادم که آمریکاییها گفتند، اینبار ایرانیها فکر بسیار عاقلانه ای کرده اند و چیزی خواستند که خیلی ببرد آنها می خورد و با هزینه حدود ۲۵ میلیون دلار یک سیستم موشکی ضد هوایی را که خرید آن امروز حداقل ۲ میلیارد دلار هزینه دارد بطور کامل و فعال مورد استفاده قرار می دهند، یعنی من قیمت وسائل مسود درخواست شما را کتبا نیز قبل از ورود آنها به شما گزارش کرده ام، آمریکاییها گفتند که به آقایان اعلام فرمایند ما چندین قلم از وسائل مورد درخواست آنها را که جزئی از کل یک قسمت برد به جای آن جز به صورت کامل فرستادیم چون می دانیم جایگزینی آن آسانتر و موثرتر می باشد و بعلاوه با اینکه ایران تقاضا نکرده بوده ما می دانیم که آنها احتیاج به ده ژنراتور دیزل مخصوص دارند و ما آن اجزا را که به صورت کلی دادیم و این ده ژنراتور دیزل که به وزن سه تن می باشد نیز در محاسبه منظور نگردیده و هدیه ای است از طرف ما، بعلاوه ما آماده ایم مجانا کارشناسان مخصوص خود را با گذرنامه غیر آمریکایی برای مدت یک هفته همراه با وسائل آزمایشی و وسائل راه اندازی و اندازه گیری به ایران اعزام داریم تا این سیستم موشکی مانند ساعت سوئیس و با خطای صفر برایشان کار کند و بنده آترا خدمتان نوشتم و وقتی هم آمریکاییها در تهران بودند خودشان این موضوع را اطلاع دادند که مانند بقیه کارهای دیگر پاسخ داده نشده، آمریکاییها در تهران چند بار تاکید کردند که قیمت کل ۲۴۰ قلم وسائل یدکی مورد درخواست ایران را منهای ارقام کسری تماما دریافت داشته اند و بنده چند بار در حضور خود شما و آقایان دیگر این مسئله را روشن کردم، آمریکاییها در مذاکرات طولانی توضیح دادند که قبل از آنکه وجه جنس را دریافت کنند هیچ کاری نمی توانند انجام دهند و چند بار توضیح دادم که ۴۲ میلیون دلار به دولت این آقایان که اینجا حضور دارند به حساب شما قبلا پرداخت شده است. پس از ترک آقایان از تهران و در مذاکراتی که جنابعالی با من داشتید فرمودید که باید حتما کسری بقیه اقلام را تامین کنند و با بقیه بیاورند ولیستی هم به من دادید که شامل ۱۷۷ عدد وسائل یدکی کسری می گردید، من عرض کردم نمی دانم قیمت آنها چیست، پس از مراجعت و مذاکره با آمریکاییها نتیجه را خدمتان عرض می کنم، لیست را به آنها دادم گفتند یک هفته تا ده روز طول می کشد تا این قیمتها و محل هایی که می توانیم آنها را تامین کنیم روشن شود من خدمتان اصرار کردم که مدت زیادی از پرداخت وجه به آمریکاییها و تحویل حدود یک پنجم از وسائل گذشته، فعلا وجه این وسائل را که آمده بعلاوه وجه کسری جنسها پردازید که ما اقلا چند درصد از طلب بانکها را پرداخت کنیم تا فرصت بیشتری داشته باشیم که اصل قضیه را بکلی حل نسازیم و همه وسائل یکجا وارد گردد، فرمودید بسیار خوب و چندین روز مرا معطل کردید که امشب زنگ بزین نشد فردا ظهر زنگ بزین نشد، فردا صبح زنگ بزین نشد، جمعه شد نشد، تا خلاصه آمریکاییها قیمت جنس کسری را هم دادند و من خدمتان دادم، فرمودید حالا باید جز به جز قیمت هر ۲۴۰ قلم را بدهی، عرض کردم این کار عملی نیست چون همانطور که مسبقا اینها را از کارخانه و یا شرکتی نخریدم بلکه آنها را از نقاط مختلف دنیا به اشکال مختلفی جمع آوری کرده اند و خود شما به خوبی از آن آگاهید، فرمودید درست است فقط از نظر حسابداری و بودجه لازم است، من به آمریکاییها گفتم، جواب دادند تقریبا غیر ممکن است و وقت زیاد می خواهد تا محاسبات جداگانه به عمل آید ولی گفتند



موضوعات و نکات ذیل را دقیقاً برای آقایان روشن فرمایید.

۱ هیچ کدام از این وسائلی از کارخانهای یا شرکتی ایتیاع نگردیده زیرا اینها یدکی اتومبیل نیستند که کارخانه یا فروشگاه آنها را در قفسه بگذارد و مشتری برای خرید مراجعه کند، بلکه اگر کسی مشتری این نوع وسائلی باشد باید اول اجازه خرید آنها را از طریق دولت خود از وزارت دفاع آمریکا بگیرد و وزارت دفاع هم این اجازه را از کنگره آمریکا کسب نموده و پس از تصویب رئیس جمهور جواز مخصوص صادر و به خریدار می دهند و آنگاه خریدار آن جواز را بعلاوه وجه وسائلی به کارخانه می پردازد و کارخانه آن وسائلی را معمولاً و بطور متوسط بین ۱۸ تا ۲۴ ماه بعد تحویل می دهد، اما باید توجه داشته باشید که اقلام مورد درخواست شما از وسائلی مختلف عموماً از هر قلم سه عدد یا پنج عدد یا ۷ عدد یا ۱۲ عدد است و کارخانهها برای چنین تعدادی خط تولید راه نمی اندازند و باید تعداد مورد درخواست از این ارقام بسیار بالاتر باشد.

۲ ما هیچ یک از این وسائلی را در انبارهای خود نداشتیم چون مربوط به سیستم سال ۱۹۷۵ است که ما اکنون سیستم دیگری داریم و نتیجتاً باید این اجناس را برای شما از کشورهای دوست و متحد خود تهیه کنیم ولی در آنجا هم با این اشکال مواجه بودیم که اگر راساً تقاضا کنیم چون می دانند ما خودمان چنین سیستمی نداریم فوراً پی می برند که برای چه می خواهیم و همه چیز آشکار می گردد، کشورهای کمی توانستند این وسائلی را در اختیار ما بگذارند عبارتند از اسرائیل، کره جنوبی، فیلیپین، ما برای حفظ راز مجبور شدیم مقداری از این وسائلی را از طریق دلالان ویژه و با نفوذ مخصوص تهیه کنیم و برای مثال در یک مورد که احتیاج به ۲۷ لامپ مخصوص داشتیم که فقط در پایگاه فیلیپین موجود بود، توسط ایادی خودمان مامور مربوطه را خرید و این لامپها را بطور غیر مجاز از آن کشور خارج کردیم (یعنی بلند کردن آنگاه تمام این چهار هزار عدد جنس را از آن کشورها به آمریکا آورده و در کارگاههای ویژه خودمان مارک روی آنها را پاک کردیم و یک به یک آنها را با دستگاههای آزمایشی امتحان نمودیم که صددرصد سالم و صحیح باشند و آنگاه آنها را مجدداً بسته بندی و به پایگاهی نزدیکترین ایران ارسال داریم که برای حمل فوری آماده باشد، ما برای انجام این کار دو تیم ویژه را برای مدت سسی روز مامور کردیم و بطور قطع می گوئیم اگر حتی این وسائلی برای خودمان بود نمی توانستیم آنها را به این سرعت و یکجا فراهم آوریم و در آخر بعنوان مثال دیگر، از یکی از دولتها که مجبور شدیم ۱۲۷۰ عدد از این وسائلی را بگیرییم، با کارخانجات مربوطه تماس گرفته بودند به آنها گفته بودند که اگر جواز را بیاورند سفارش آنها تا ۲۰ ماه دیگر آماده می شود البته با تعداد سفارش بسیار بیشتر، در نتیجه ما مجبور شدیم به آنها تعهد بدهیم که اگر حادثهای پیش آید که کسری این وسائلی در دفاع هوایی آنها اثر گذارد، مستقیماً دفاع از آنها را بعهد بگیریم.

من پس از یک هفته که قیمتها را به جنابعالی دادم و دو ساعت و سی دقیقه دادن لیست به جزئیات قیمتها طول کشید، فرمودید تا فردا وجه آن وسائلی را که آمده بعلاوه وسائلی کسری به حساب بانک سوئیس واریز می گردد که البته این فردا هرگز نیامده، ۶ روز طول کشید من روزی سباز به جنابعالی تلفن زدم که چه شد، فرمودید فردا درست می شود ظهر زنگ بزن، شب زنگ بزن، صبح زنگ بزن و بالاخره پس از ۶ روز مصیبت که بنده هر روز فشار بانکها و فشار کسانی را که از آنها سفته گرفته بودیم خدمتتان توضیح می دادم تا یک شب گفتید کار خراب شده عرض کردم چرا، فرمودید ما یک فیش و لیستی داریم از این وسائلی مربوط به سال ۱۹۸۵ در همین کارخانه یعنی مربوط به ۱۸ ماه قبل که کارخانه قیمت این وسائلی را داده و ۶ برابر ارزانتر است از قیمتهای آمریکاییها، من خدمتتان عرض کردم این نمی تواند حقیقت داشته باشد قطعاً کسی خلاف گفته به هر حال بلافاصله به آمریکاییها مراجعه کردم، گفتند بکلی مزخرف است، چون این وسائلی که ایران خواسته بود متعلق به یک کارخانه نیست و در ۵۴ کارخانه مختلف و در ایالات مختلف آمریکا تولید می شود و هر کارخانه کاری جداگانه دارد و بعلاوه رسامه آقایان بفرمایید یک بار به ما در تهران بدترین توهینها را کردید و فرمودید که ما اجناس دست دوم و کار کرده برای شما آورده ایم که بعناکارشناسان خودتان آزمایش کردند معلوم شد اشتباه کرداید و معذرت خواستید، حالا ما را دزد هم می کنید، به آقایان بگوئید که البته هیچ کدام از این وسائلی از کارخانهای تهیه نشده و می دانید چگونه ایتیاع کرده ایم و قیمت چند بار حمل و بیمه و بسته بندی را داده ایم، ما به عنوان یک ابرقدرت که بخاطر حسن تفاهم و دوستی و رابطه نوین قدم جلو گذاشته ایم، سه حق داریم و نه می توانیم کار تجاری بکنیم و اگر آقایان فکر می کنند کلاهی سرشان رفته فوراً جنس را پس بفرستند و هیچ هزینه ای هم به آنها تعلق نمی گیرد و ما پول شما را تمام و کمال می دهیم، ما بعنوان یک ابرقدرت اگر در جایی مقاصد مادی و بهره برداری اقتصادی داشته باشیم، دنبال فروش چند وسائلی یدکی آن هم مال دیگران نمی رویم بلکه دنبال میلیاردها می گردیم و این هم دست مزد ما و توهین آخر، گفتند ما وقتی وسائلی را به این شکل و با این سرعت بخواهیم ممکن است گاهی اوقات تا ۱۰ برابر قیمت اصلی هم گرانتر بخریم، اما ما در این مورد نهایت تلاش را برای شما کرده ایم و فکر می کردیم که جای تشکر و سپاس بسیار از طرف شما خواهد داشت، گرچه ما تعهد می کنیم در آینده وسائلی که در انبارهای خودمان موجود باشد و مورد نیازتان است با همان قیمت که خود ما یعنی دولت آمریکا ماهها و سالها قبل از کارخانجات تهیه کرده عیناً در اختیارتان بگذاریم که امروز برای خود ما شاید دو سه برابر تمام می شود مانند موشکهای جت که در گذشته به شما دادیم.

من تمام این مسائل را مفصلاً و با توضیحات دیگری چندین بار طی مذاکرات تلفنی خدمتتان عرض کردم و خود جنابعالی هم مستقیماً با واشنگتن تماس گرفتید و آمریکاییها هم برایتان توضیحات لازم را دادند و در آخر هم گفتند که چقدر ناراحت شده اند از این توهینی که به آنها شده، من روز یکشنبه ۸ تیر ماه وخامت و پیامدهای ناشی از واخواست شدن چکهای خودم و سفتههای بانک لندن را خدمتتان عرض کردم خواهش کردم شما روز دوشنبه صبح با آقای سالاته در بانک کردیت سوئیس رزرو تماس بگیرید و بفرمایید همین یکی دو روزه کارها حل می شود و اقدامی نکنند و صبح روز دوشنبه ۹ تیر ماه آقای محمدی به سالاته زنگ زده بود و فرموده بودند، یکی دو روز وقت بدهید و روز سهشنبه ۱۰ تیر هم آقای آدم بیک از آلمان از طرف شما زنگ زده بود که سالاته از دست من خیلی عصبانی و ناراحت بوده و گفته بود این کار خیلی به ضرر او تمام می شود و بالاخره من روز چهارشنبه ۱۱ تیر ماه ساعت ۲/۳۰ دقیقه بعد از ظهر با جنابعالی صحبت کردم و همه چیز را توضیح دادم دقیقاً

فرمودید ساعت ۶ بعد از ظهر آن روز زنگ بزن ما یا تا فردا پول این وسائلی را که آمده می‌پردازیم و یا این وسائلی را عینافوری پس می‌دهیم، من از جنابعالی خیلی تشکر کردم و گفتم تو را به خدا و بخاطر نجات آبروی من و خودتان تکلیف این کار را امشب روشن کنید از آن تاریخ تا این لحظه که ۴ صبح روز پنجشنبه ۱۹ تیر ماه است کوچکترین اقدامی نشده و فقط به وقت کشی مشغولید.

برادر عزیز، برادر نازنین، برادر مسلمان، خودت را یک لحظه جای من بگذار ببین با من چه کرده‌اید و پاداش زحمات و فداکاریها و تلاشهای مرا چگونه داده‌اید.

برادر فردا درست ۶۴ روز است که ما ۲۴ میلیون دلار بانکها را به نام شما به آمریکاییها داده‌ایم همسان روز اول بانک فقط یک در صد یعنی ۲۴۰ هزار دلار بابت کارمزد این اعتبار برداشت کرده، بعد ببینید بهره سنگین چنین اعتباری در مدت ۶۴ روز فقط تا حالا چقدر می‌شود؟ و حالا ۲۵۶۶ هزار دلار بابت واخواست سفته‌ها و چکها و نکول اعتبار صورت حساب داده‌اند، اصل از همه اینها بالاتر و مهمتر با ۱۷ سال صداقت و درستکاری و اعتبار من در بانک سوئیس چه کردید. برادر جان الان ۶۴ روز است این وسائلی به تهران وارد شده آیا جواب اعتماد و اعتقاد به جمهوری اسلامی همین است، برادر عزیز یادت می‌آید ۷ ماه قبل در ژنو تشریف داشتید و ۲۵ میلیون دلار بطور درست و بدون سند در اختیار من گذاشتید که برای شما توسط آمریکاییها موشک‌هاگ وارد کنم، ولی وقتی اولین هواپیما وارد شد معلوم گشت که این نوع هاگها مورد نظر شما نیست و اشتباه است و فقط مبلغ موشک‌های وارد شده حدود ۵ میلیون دلار بود، یادتان می‌آید حضور ناراحت شدید و قلبتان گرفت و من شما را نیمه شب به بیمارستان بردم تا صبح بریالین شما ایستادم و صبح اول وقت به بانک کردیت سوئیس رفتم و ۲۰ میلیون دلار را به حساب شما ریختم و رسید آن را برایت به بیمارستان آوردم و دو ماه بعد هم هواپیما فرستادم و موشکها را پس بردیم و تمام هزینه‌های حمل و بیمه و مخارج دیگر آنرا دادیم و یکدینار هم هزینه‌ای به حساب شما منظور نشد و پول شما تمام و کمال و بدون کوچکترین دردسری بلافاصله برگشت شد. برادر آن رفتار مسلمانانه است یا این که حال شما می‌کنید؟ آیا این است جواب متقابل کاری که برای شما کردم؟ درحالی که شما فقط در مقابل مهندس موسوی مسئول بودید و من گرفتار سه بانک اروپایی و دو شرکت بزرگ و یک دوست عزیز و یک عمر اعتبار و حیثیت هستم. برادر عزیز چرا ما باید اعتماد و اعتقاد به رژیم اسلامی و آبروی آن را بر باد دهیم، شما می‌دانید سیستم بانکی و تجارت در اروپا مثل یک خانواده کوچک است، فردا کند این قضیه تمام دنیا را می‌گیرد، و دیگر آبرویی برای من که هیچ تمام شده ولی برای جمهوری اسلامی هبمی ماند و خواهید دید که وزیر و یک سفیر همین کشور سوریه خواهد آمد و خواهد گفت قضیه چیست؟ ده میلیون سفته یک سوریه‌ای واخواست شد که پول آن به وزارت دفاع آمریکا رفته که اسلحه برای ایران بیاورند، بانک سوئیس که می‌داند پول را چه کسی داده و چه کسی باید آن را بازپرداخت کند، تا آبروی بزرگ نشسته و حیثیت همه ما بر باد رفته و این دردسرها به حساب من و شما گذاشته نشده قال ایسن قضیه را بکنید، ما آمدیم زیر آبروی شما برداریم بکلی کوروش می‌کنیم، ما برای خدمت آمدیم داریم خائن می‌شویم.

برادر عزیز تاکنون منهای مخارج و هزینه‌های یکساله فقط کارمزدها و بهره‌های بانکی و مخارج مخصوص این کار بالغ بر دو میلیون دلار گردیده، هیچ اشکالی ندارد من نابود شوم بهتر از این است که پای جمهوری به این کار کشیده شود. همین فردا وسائلی را که آورده‌اند عینا پس بفرستید، فوراً تحویل می‌دهیم و پولمان را پس می‌گیریم و این چند میلیون دلار را که تاکنون هزینه شده است من مطمئن هستم که چون نیت خیر بوده است و واقعیت هم بر طرفین قضیه روشن است به شکلی باید حل شود. برادر جان در این شرایط که کسی حاضر نیست حتی صد هزار دلار در اختیار شما بگذارد انصاف داشته باشید من فقط در مقابل دستور شما بدون نوشته و سند و مدرک ۲۴ میلیون دلار اعتبار برایستان گرفتم، ارزش این کارها را باید بدانید نه آنکه آنها را لجن مال کنید. آمریکاییها بمن می‌گویند، این دوستان با تو که اینطور برایشان سینه چاک می‌دهی و جانفشانی می‌کنی اینطور عمل می‌کنند با ما چه خواهند کرد.

من از شما برادر عزیز می‌خواهم و استدعا دارم، بخاطر خدا نه بخاطر من بخاطر آبروی جمهوری اسلامی و بخاطر انسانیت و شرافت تکلیفاین قضیه را در چند ساعت آینده روشن فرمایید و از حالا به بعد همه چیز و مسئولیتهای آن فقط بعهده شماست.

با عرض تشکر و احترام

ارادتمند منوچهر قربانی‌فر

امضا ۱۳۶۵/۴/۱۹

پیوست شماره ۱۳۲: خبر ویژه شماره ۱۹ خبرگزاری جمهوری اسلامی، در مورد اعترافات ریگان رئیس‌جمهور آمریکا در مورد سفر مکزالیین به ایران

پس از فاش شدن ماجرای مکزالیین چنانکه در تلکس‌های خبری آمد ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا در ضمن یک مصاحبه گفت:

...من معتقدم چنانچه اخبار مذاکرات ما با ایران فاش و گزارش نمی‌گردید پنج گروهان دیگر آمریکا نیز تا هفته پیش از لبنان آزاد شده بودند ریگان اعلام نمود که یکی از مقامات دولتی ایران که با آمریکا خصومت داشت خبر مذاکرات ما با افراد ایرانی را به یک مجله لبنانی درز داد. وی افزود که ما برای عوامل مزبور تصریح نمودیم که مایل به ایجاد رابطه با کشورهای حامی تروریسم نمی‌باشیم و آنها نیز به ما نشان دادند که از تروریسم حمایت نمی‌کنند و حتی افرادی که در ایران در فعالیتهای تروریستی دست داشتند را دستگیر و زندانی کرده‌اند (اشاره ریگان‌ها به مهدی هاشمی است).

ریگان ارسال هرگونه سلاح آمریکایی از طریق اسرائیل و دیگر کشورها به ایران را کرارا تکذیب نمود.

جان پویند کستر مشاور امنیت ملی ریگان نیز گفت: در واقع بیش از یک سال است که تروریسم تحت حمایت ایران متوقف شده است، وی اعلام کرد بازداشت و دستگیری سید مهدی هاشمی در ایران به جرم چندین فقره فعالیت تروریستی حاکی از تعهد ایران به

آمریکا مبنی بر متوقف ساختن تروریسم می‌باشد.

واشنگتن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، مورخه ۶۵/۸/۲۲

پیوست شماره ۱۳۳: خبر ویژه شماره ۲۰ مورخ ۶۵/۸/۲۲ خبرگزاری جمهوری اسلامی، در مورد ادعاهای خلبانان آمریکایی  
خبر ویژه شماره ۲۰:  
انعکاس ادعاهای دو خلبان آمریکایی در رادیو رژیم اشغالگر قدس  
تهران خبرگزاری جمهوری اسلامی ۶۵/۸/۲۲

به گزارش بخش فرانسه امروز پنجشنبه رادیو رژیم صهیونیستی، دو خلبان آمریکایی در مصاحبه با تلویزیون ان‌بی‌سی اعلام داشتند که سال گذشته در دو مرحله بین تل آویو و تبریز پرواز کرده‌اند. این دو افزودند شبانه از تل آویو حرکت کردند و صبح فردا تبریز را به سوی تل آویو ترک گفتند. آنها هدایت یک هواپیما متعلق به شرکت هوایی نیجره موسوم به "اینترنشنال ایرتورز" را داشتند. به گفته رادیوی یاد شده به آنان گفته شده بود که هواپیما حامل دارو و مواد غذایی منجمد است. دو خلبان آمریکایی می‌گویند بلافاصله بعد از اولین پرواز یکی از گروگان‌های آمریکایی آزاد شد. از سوی دیگر شیمون پرز در گفتگو با همین تلویزیون ضمن قسانونی خواندن مذاکره با ایران اعلام داشت که اسرائیل و آمریکا برای آزادی گروگانها دست به هر کاری می‌زنند وی افزود انجام گفتگو با آیت‌الله خمینی غیر ممکن است ولی به علت جنگ بر سر جانشینی در ایران انجام بعضی مذاکرات عملی است.

پایان

پیوست شماره ۱۳۴: خبر ویژه شماره ۷۷ مورخ ۶۵/۸/۲۲ خبرگزاری جمهوری اسلامی، در مورد دستگیری سید مهدی هاشمی  
خبر ویژه شماره ۷۷:

پویند کستر: دستگیری مهدی هاشمی نتیجه مذاکرات آمریکا با ایران بود. واشنگتن خبرگزاری جمهوری اسلامی ۶۵/۸/۲۳  
جان پویند کستر مشاور امنیت ملی ریگان امروز "جمعه" اعلام کرد بازداشت و دستگیری مهدی هاشمی در ایران "به جرم چندین فعالیت تروریستی" حاکی از تعهد ایران به آمریکا مبنی بر متوقف ساختن تروریسم می‌باشد.  
به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن پویند کستر در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی ان‌بی‌سی ضمن اشاره به تاکید آمریکا بایران در آغاز مذاکرات دو کشور مبنی بر متوقف ساختن تروریسم و گروگان‌گیری افزود در واقع بیش از یک سال است که تروریسم تحت حمایت ایران متوقف شده است.  
وی سپس خاطر نشان ساخت که گروگان‌گیرهای اخیر در لبنان توسط گروهی که تحت نفوذ عوامل رادیکال خاصی در داخل ایران می‌باشند انجام گرفته و واقعیت امر این است که این شخص (هاشمی) در ایران دستگیر شده و هم اکنون به علت چندین فعالیت تروریستی در ایران زندانی می‌باشد.  
در بخش دیگری از این مصاحبه پویند کستر کنفرانس مطبوعاتی روز چهارشنبه دکتر رجایی خراسانی در مقر سازمان ملل را عامل عمدتاً تصمیم ریگان مبنی بر علنی ساختن برنامه مذاکرات خود با ایران دانست.

پیوست شماره ۱۳۵: بازتاب خرید اسلحه از آمریکا و سفر مکفارلین به ایران در مطبوعات جهان  
پس از آمدن مکفارلین معاون امنیت ملی ریگان و همراهان به تهران همراه با نامهای از ریگان و یک جلد انجیل و یک قطعه یک به شکل کلید، و انتشار خبر آن برای نخستین بار توسط مجله لبنانی الشراع شماره ۴۴۲ در تاریخ تشرین الثاني ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) و به دنبال آن سخنان آقای هاشمی رفسنجانی و اقرار به انجام این سفر در خطبه‌های نماز جمعه تهران، مطبوعات جهان هر یک به نوعی به نقل خبر فوق و اهداف و ابعاد آن پرداختند، اعترافات متناقض ریگان و مکفارلین و دیگر دست‌اندرکاران و نیز استیضاح ریگان توسط کنگره آمریکا و استعفاي چند تن از مشاورین امنیتی و معاونین وی و نیز تأثیری که ایسن جریان در مسایل داخلی ایران داشت ابعاد گسترده‌ای به این مساله بخشید که برای آگاهی از آنچه خارج از مرزهای ایران در این رابطه مطرح بوده چند نمونه از آن را از نظر می‌گذرانیم:

۱- النهار در مورخه ۱۱ تشرین الثاني ۱۹۸۶ به نقل از مقامات آمریکایی نوشت: در شرایطی که ایران در اثر نیاز جنگی به خرید سلاحهای چین و ویتنام شمالی مشغول بود آمریکا مکفارلین را با مقداری سلاح به ایران فرستاد تا بفهماند اولاً در مقابل هر قدم مثبت ایران آمریکایی‌ها آن را مسرودازد، ثانیاً بفهماند با وجود سلاحهای مدرن در ارتش عراق پیروزی نظامی برای ایران افسانهای بیش نیست.

۲- مجله السفير در مورخه ۷ تشرین الثاني ۱۹۸۶ به نقل از پویند کستر مشاور امنیت ملی آمریکا نوشت:  
هدف از ارسال اسلحه به ایران تغییر حکومت ایران نبوده بلکه هدف تغییر سیاست آن می‌باشد، زیرا سیاست ما تشویق و تقویت جناح میانه‌رو و محافظه کار است تا بتوانند مسیر حکومت ایران را تغییر دهند.

۳- مجله الاسبوع العربی در شماره ۱۴۱۴ مورخه ۱۷ تشرین الثاني ۱۹۸۶ پس از نقل سخن "دیوید کیمچی" نخستین سفیر اسرائیل در مصر مبنی بر لزوم بهره‌گیری از جنگ ایران و عراق نوشت: معنای سخن کیمچی این است که باید تلاش شود تا جنگ عراق و ایران طولانی‌تر شود و ایران به شکلی تقویت گردد که بتواند ضربه‌های موثرتری بر پیکر عراق بزند که در غیر ایسن صورت ممکن است عراق با تجربهای که در جنگ به دست آورده خطری برای اسرائیل گردد.

۴- مجله کویتی المجتمع در شماره ۷۹۳ مورخه نوامبر ۱۹۸۶ (ربیع الاول ۱۴۰۷) نوشت: چیزهایی که در جریان مکفارلین

- مورد نظر آمریکا است عبارت است از: ۱: تغییراتی که در داخل حاکمیت ایران در شرف وقوع است و باید از آن بهره برداری کرد. ۲: برخورد دو جناح منتظری و هاشمی ۳: تقویت جناح میانه رو ۴: ایجاد زمینه تفاهم با حاکمیت پس از مرحله امام خمینی.
- ۵: روزنامه النهار در مورخه ۱۴ تشرین الثانی ۱۹۸۶ نوشت:
- ریگان و جان پویند کستر در یک مصاحبه مطبوعاتی گفتند: هدف اصلی ما از مذاکرات و ارسال سلاح محرمانه به ایران ایجاد ارتباط مناسب با رهبران احتمالی آینده ایران بود و موضوع گروگانها فرعی و جانبی است. آنها اظهار امیدواری کردند که پس از فوت آیتالله خمینی جناح صیانه رو روی کار آیند.
- همین موضوع در روزنامه النداء مورخه ۱۲ تشرین الثانی ۱۹۸۶ به نقل از روزنامه پراودا آمده است.
- ۶: نشریه السفیر در مورخه ۱۴ تشرین الثانی ۱۹۸۶ نوشت:
- ریگان در مقابل اعتراضات کنگره در مورد ارسال سلاح به ایران گفت: تسلیحاتی ارسال فقط جنبه دفاعی دارد و هدف ما از ارسال آنها یکی این است که بفهمانیم ما آماده عادی سازی روابط هستیم و دیگر اینکه با جناح میانه رو در جنگ قدرت پس از امام خمینی کانال ارتباطی برقرار نماییم.
- ۷: السفیر در مورخه ۱۹ تشرین الثانی ۱۹۸۶ نوشت:
- وزیر خارجه آمریکا درباره ارسال سلاح به ایران گفت: ما باید آماده تغییراتی در حاکمیت ایران باشیم... او گفت کاخ سفید از ایران خواستگاری سیاست خود در مورد حمایت از اصول گرایی و صدور انقلاب به کشورهای دیگر را تغییر دهد.
- ۸: مجله الاسبوع العربی در شماره ۱۴۱۲ مورخه ۱۰ تشرین الثانی ۱۹۸۶ نوشت: مسئولان آمریکایی از ایران خواستند در مقابل رفع منع فروش سلاح به ایران، آن کشور از تروریسم جلوگیری کند و برای آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان اقدام نماید.
- ۹: نشریه السفیر در مورخه ۱۲ تشرین الثانی ۱۹۸۶ نوشت:
- ”با دستگیری سید مهدی هاشمی و عدهای دیگر از طرفداران آقای منتظری مرحله سقوط جناح تندرو در حاکمیت ایران آغاز شد همان گونه که با حذف مهندس بازرگان و سقوط دولت او در سال ۱۹۷۹ مرحله سقوط میانه روها آغاز شد.”
- ۱۰: نشریه الاسبوع العربی شماره ۱۴۱۴ مورخه ۱۷ تشرین الثانی نوشت:
- ”دخالت آمریکا در جنگ و دادن سلاح به عراق و ایران معنای آن این است که این جنگ برای هیچ یک از طرفین نه پیروزی در بر دارد نه شکست.”
- در همین نشریه آمده است:
- مکفارلین به همراه چند تن از اعضای پنتاگون و وزارت خارجه آمریکا دو مرتبه به تهران آمد و در هتل هیلتون (استقلال) با مسئولین ایرانی ملاقات کرد، مرتبه اول در سپتامبر و مرتبه دوم در اکتبر ۱۹۸۵.

پیوست شماره ۱۳۶: نامه مسئولین به امام خمینی در مورد پذیرش آتشبس

این صفحه سفید برای نامه مسئولین به خمینی  
در باره آتش بس در نظر گرفته شده است.

پیوست شماره ۱۳۷ :نامه امام خمینی در تبیین ضرورت پذیرش آتش‌بس، مورخه ۶۷/۴/۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم

با یاری خداوند متعال و با سلام و صلوات به انبیا بزرگوار الهی و انصاف معصومین صلوات الله علیهم اجمعین حال که مسئولین نظامی ما اعم از ارتش و سپاه که خبرگان جنگ می‌باشند صریحاً اعتراف می‌کنند که ارتش اسلام به این زودیه‌ها هیچ پیروزی به دست نخواهند آورد، و نظر به اینکه مسئولین دلسوز نظامی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی از این پس جنگ را به هیچ وجه به صلاح کشور نمی‌دانند و با قاطعیت می‌گویند که یک دهم سلاح‌های را که استکبار شرق و غرب در اختیار صدام گذارده‌اند به هیچ وجه و با هیچ قیمتی نمی‌شود در جهان تهیه کرد، و با توجه به نامه تکان دهنده فرمانده سپاه پاسداران که یکی از دهها گزارش نظامی سیاسی است که بعد از شکست‌های اخیر به اینجانب رسیده و به اعتراف جانشینی فرمانده کل نیروهای مسلح، فرمانده سپاه یکی از معنود فرماندهانی است که در صورت تهیه مایحتاج جنگ معتقد به ادامه جنگ می‌باشد و با توجه به استفاده گسترده دشمن از سلاح‌های شیمیایی و نبود وسائل خنثی کننده آن، اینجانب با آتش‌بس موافقت می‌نمایم و برای روشن شدن در مورد اتخاذ این تصمیم تلخ به نکاتی از نامه فرمانده سپاه کعبه تاریخ ۶۷/۴/۲ نگاشته است اشاره می‌شود، فرمانده مزبور نوشته است تا پنج سال دیگر ما هیچ پیروزی نداریم، ممکن است در صورت داشتن وسائلی که در طول پنج سال به دست می‌آوریم قدرت عملیات انهدامی و یا مقابله به مثل را داشته باشیم و بعد از پایان سال ۷۱ اگر مادارای ۳۵۰ تپ پیاده و ۲۵۰۰ تانک و ۳۰۰۰ توپ و ۲۰۰ هواپیمای جنگی و ۳۰۰ هلیکوپتر و قدرت ساختن مقدار قابل توجهی از سلاح‌های لیزر و اتم که از ضرورت‌های جنگ در آن مرقع است داشته باشیم می‌توان گفت به امید خدا بتوانیم عملیات آفندی داشته باشیم، وی می‌گوید قابل ذکر است که باید توسعه نیروی سپاه به هفت برابر و ارتش به دو برابر و نیم افزایش پیدا کند، او آورده است البته آمریکا را هم باید از خلیج فارس بیرون کنیم و الا موفق نخواهیم بود. این فرمانده مهمترین قسمت موفقیت طرح خود را تهیه به موقع بودجه و امکانات دانست است و آورده است که بعید به نظر می‌رسد دولت و ستاد فرماندهی کل قوا بتواند به تعهد خود عمل کنند. البته با ذکر این مطالب می‌گوید باید باز هم جنگید که این دیگر شعاری بیش نیست. آقای نخست‌وزیر از قول وزیر اقتصاد و بودجه وضع مالی نظام را زیر صفر اعلام کرده‌اند مسئولین جنگ می‌گویند تنها سلاح‌های را که در شکست‌های اخیر از دست داده‌ایم به اندازه تمام بودجه ایست که برای سپاه و ارتش در سال جاری در نظر گرفته شده بود. مسئولین سیاسی می‌گویند از آنجا که مردم فهمیده‌اند پیروزی سریعی به دست نمی‌آید شوق رفتن به جبهه در آنها کم شده است. شما عزیزان از هر کس بهتر می‌دانید که این تصمیم برای من چون زهر کشنده است و لسی راضی به رضای خداوند متعال هستم و برای صیانت از دین او و حفاظت از جمهوری اسلامی اگر ابرونی داشته باشم خرج می‌کنم، خداوندا ما برای دین تو قیام کردیم و برای دین تو جنگیدیم و برای حفظ دین تو آتش‌بس را قبول می‌کنیم. خداوندا تو خود شاهدهی که ما لحظه‌ای با آمریکا و شوروی و تمامی قدرتهای جهان سر سازش نداریم و سازش با ابرقدرتها و قدرتها را پشت کردن به اصول اسلامی خود می‌دانیم. خداوندا در جهان شرک و کفر و نفاق، در جهان پول و قدرت و حيله و دو روئی، ما غریبیم، تر خود یاریمان کن. خداوندا در همیشه تاریخ وقتی انبیا و اولیا و علما تصمیم گرفتند مصلح جامعه گردند و علم و عمل را در هم آمیزند و جامعه‌ای دور از فساد و تباهی تشکیل دهند با مخالفت‌های اوج‌ها و ابوسفیانهای زمان خود مواجه شدند. خداوندا، ما فرزندان اسلام و انقلابان را برای رضای تو قربانی کردیم غیر از تو هیچکس را نداریم ما را برای اجرای فرامین و قوانین خود یسری فرما. خداوندا از تو می‌خواهم تا هر چه زودتر شهادت را نصیب فرمائی. گفتم جلسای تشکیل گردد آتش‌بس را بمردم تفهیم نمایند. مواظب باشید ممکن است افراد داغ و تند با شعارهای انقلابی شما را از آنچه صلاح اسلام است دور کنند. صریحاً می‌گویم باید تمام همتان در تریه این کار باشد. قدمی انحرافی حرام است و موجب عکس‌العمل می‌شود. شما می‌دانید که مسئولین ردع‌الای نظام با چشمی خونبار و قلبی مالا مال از عشق به اسلام و میهن اسلامیان چنین تصمیمی گرفتند خدا را در نظر بگیرید و هر چه اتفاق می‌افتد از دوست بدانید. والسلام علینا و علی عباد الله الصالحین.

روح الله الموسوی الخیمنی

پیوست شماره ۱۳۸ :پیام معظمه به مردم ایران برای شرکت در راهپیمایی غظیم بیعت با امام در عید غدیر خم

بسم الله الرحمن الرحيم

عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم

ملت مسلمان و مقاوم ایران ایدکم الله تعالی

این روزها انقلاب عظیم ما وارد مرحله تازه و حساسی شده، این روزها هم دوستان و هم دشمنان انقلاب در سطح جهان از زاویه‌های مختلف به انقلاب ما چشم دوخته و نظاره می‌کنند که یک انقلاب جوان که در محاصره و توطئه‌های جهانی قرار گرفته بعد از تحمل هشت سال جنگ تحمیلی و ویرانگر چگونه با مشکلات و عراق جنگ و فشارهای سیاسی نظامی و اقتصادی دنیای زور و مکر و فریب برخورد می‌کند و چگونه خود و ارزشهای اسلامی و انقلابی خود را حفظ می‌کند و کشتی طوفان زده خود را به ساحل می‌رساند، در این رابطه مسائل و حقایق گفتمانی زیادی هست که در پیام مهم و تاریخی حضرت امام مدظله‌العالی قسمت‌های مهم آنها مشروحا مطرح شده امام امت در این پیام مسائل مهم داخلی و مسیر انقلاب اسلامی را در جهان زیر سلطه شرق و غرب و عمالشان به شکل مسطوی بیان داشتند و حجت را بر همگان از ملت عزیز و مسئولین محترم و نیروهای نظامی و انتظامی تمام کردند. اینک در رابطه با تصمیم قاطع و شجاعانه رهبر انقلاب در مورد قبول آتش‌بس و دیگر مواضع مهم و سازنده ایشان اینجانب به نحو اختصار اموری را تذکر می‌دهم:

۱- موهبت‌های الهی و موقعیت معنوی و ویژگیها و کمالات روحی و فکری و درجات علمی و اخلاقی و مجاهدات و مبارزات و نقش منحصر بفرد مقام معظم رهبری در تغییر مسیر تاریخ اسلام و مسلمین و بخصوص تاریخ ملت مسلمان ایران

در این قرن و نقش انحصاری معظم‌قدر پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تداوم آن و حفظ انقلاب در مقاطع گوناگون از خطر سقوط و یا انحراف به چپ و راست برای کسی مخفی و قابل شک و تردید نیست، و ملت آگاه ایران به خاطر همین جهات بود که از آغاز مبارزه با امام خود بیعت نمود و پیمان اطاعت و تقلید بست و ایشان را به عنوان مرجع تقلید و ولی امر و الگوی فکری و عملی خویش انتخاب نمود. ملت ما هنگامی با امام خود بیعت نمود که تمام افراد و جناحهای روشنفکر و مبارز از هر گروه و جمعیتی معمولاً در مبارزات به بن‌بست کامل رسیده بودند و رژیم طاغوت وابسته به آمریکا مسجالی برای کوچکترین حرکت و صدای آزادیخواهی نگذاشته بود و همه نفسها را در گلو خفه و زبانه‌ها و قلمها را بریده و شکسته بود و همچنان سکوت و خفقان و ذلت و تملق فرهنگ حاکم بر جامعه طاغوت‌زده ما شده بود.

در چنین هنگامی بود که فریاد رهبر انقلاب بلند شد و سکوتها را درهم شکست و ملت را به خودآگاهی و بازگشت به شخصیت و هویت اسلام خویش و قیام و جهاد و نهضت دعوت نمود و سختیها و ناملايمات فراوانی را متحمل شد تا بالاخره انقلاب به پیروزی رسید. ملت ما با معرفت کامل اذعان و ایمان دارد که تمام حرکتها و قیامها و فریادهای رهبر انقلاب چه قبل از پیروزی و چه بعد از آن و در دوران چندساله جنگ تحمیلی در تمام مقاطع هرآنچه بود همگی برای رضای خدای متعال و مصلحت اسلام و انقلاب و ملت ایران بوده و هست. اگر دیروز حضرت امام ملت را به شرکت همه جانبه در دفاع مقدس و در دفع تجاوز در جنگ تحمیلی دعوت می‌نمودند برای خدا و حفظ انقلاب و کشور و نظام بود، اگر به دلائلی دعوت به آتش‌پس می‌نمایند آن هم برای مصلحت اسلام و انقلاب و کشور می‌باشد، و به دلیل همین ایمان و اعتقاد متقابل است که همواره در تمام مراحل در تلخی‌ها و شیرینی‌ها امام با امت شریک و هم صدا هستند و امت نیز خود را ملزم به پیروی و اطاعت از اوامر امام می‌بیند، البته ممکن است دشمنان اسلام و انقلاب از این تغییر موضع و تصمیم شجاعانه رهبر انقلاب در مورد قبول قطعنامه پیشنهادی بخواهند برای نیل به مقاصد خبیثه خود و تضعیف موقعیت ولایت‌فقیه و مرجعیت تشیع سو استفاده نمایند و زیرکانه مسائل و شبهاتی را در اذهان سادطرحان القا و مطرح نمایند ولی این وظیفه ما و تمام نیروهای آگاه و جناحهای متدین و متعهد به اسلام و انقلاب است که نگذاریم این توطئه مرموز موثر واقع شود، گرچه فکر نمی‌کنیم ملت آگاه و رشید ما اجازه چنین سو استفاده‌ای را بدهد خواهان و مغرضین بدهند و من مطمئن هستم ملت ما که با تاسی به پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم‌السلام راه حق را از باطل شناخته و انتخاب نموده و تاکنون در امتحانات و ابتلائات زیادی سرفراز و سربلند بیرون آمده‌اند در این آزمایش بزرگ الهی و ابتلا کنونی همچنان مصمم و آگاه به راه خود و پیروی از امام و مرجع تقلید خود در مسیر تداوم انقلاب و حفظ سرزمینهای کشور و آمادگی دفع هرگونه تجاوز احتمالی و حضور در صحنه‌های لازم و انقلابی ادامه خواهد داد.

۲ گسره حضرت امام مدظله با آن عظمت روحی و کرامت انسانی و بزرگواری که دارند در مقابل ملت تواضع و فروتنی نمودند و علیرغم میل باطنی خود این تصمیم تلخ را گرفتند، ولی این بزرگواری و تواضع و صداقت و صمیمیت رهبر بزرگوار نباید موجب فراموشی و غفلت از ریشه‌ها و مسائل اصولی و غرور مسئولین محترم گردد. همه ما باید مثل ایشان بپرورده و با صداقت با مردم خودمان صحبت کنیم و آنان را از واقعیات مطلع سازیم.

رمز اصلی اعتماد ملت به رهبرشان نیز همین صداقت و صراحت ایشان است، امام با صفای باطن و فروتنی مخصوص خود تمام مسائل را بعهده گرفتند و از آبروی خود مایه گذاشتند و در مقابل امت اظهار شرمساری نمودند، ولی ملت ما هرگز نمی‌خواست و راضی نبود چنین شرایطی پیش آید که حضرت امام مجبور به قبول آن شوند و این همه تلخی و ناگواری را تحمل نمایند و البته همان گونه که خود امام فرمودند امروز وقت گفتن چراها و بایدها و نبایدها نیست و حق هم همین است.

امروز باید همه نیروها و جناحها و تمام ملت ایران دست به دست هم بدهیم تا این مرحله حساس و خطرناک را با پیروزی بگذرانیم، ولی مطمئنم و قطعاً خود امام در وقت مقتضی و مناسب دستور خواهند داد رسیدگی و تحقیق پیرامون عوامل و اسباب و مرجعیت بوجود آورنده این شرایط تلخ و ناگوار انجام شود تا از طرفی شبهات و سئوالات زیادی که وجود دارد مرتفع گردد و از طرف دیگر ساخت مقدس مرجعیت و ولایت‌فقیه در تاریخ مخنوش نگردد و دشمنان اسلام نتوانند آن را زیر سؤال ببرند.

۳ انقلاب ما چون بر اساس اهداف و آرمانهای الهی و جهانی شروع شد و به پیروزی رسید از همان روزهای نخست خود را در برابر ملت‌های محروم و مظلوم متعهد و مسئول دانست، و رهبر انقلاب صریحاً و کراراً این حقیقت را اعلام داشته‌اند و بخش عظیمی از آن آرمانها چه در مسایل داخلی و چه در سطح جهانی و بین‌المللی در پیام اخیر مطرح شده است.

از این رو من از تمام مسئولان اجرایی و فکری نظام و انقلاب و تمام نیروهای مخلص و جناحهای مستمهد می‌خواهم با مضامین و مفاهیم بسیار عالی و سازنده آن به جای برخوردهای شعاری و فرصتطلبانه برخورد عملی کنند و در مقام عمل و پیاده‌نمودن آن برآیند بخشهای فکری و فرهنگی و صدور فرهنگ انقلاب و توجه به آرمانهای جهانی انقلاب و تأیید حرکت‌های اسلامی و تقویت ملل محروم و مستضعف و برنامه‌ریزی برای مبارزه اصولی با آمریکا و ابرقدرت‌های شرق و غرب و اسرائیل غاصب و سالم نمودن محیط جامعه و دانشگاهها و حوزها از تعصبها و جهالتها و غرض‌ورزیها و تندرویهها جهت رشد فضیلتها و استعدادها و شکوفایی نیروهای اصیل و متعهد و بها دادن به کرامت انسانی افراد و پرهیز از انگ زدن و تخریب یکدیگر و شناسایی و جذب نیروهای وفادار به انقلاب و جدانمودن صف عالمان مهتک و افراد متعلق و فرصتطلب از افراد مبارز و معتقد به انقلاب و رهبری و از همه مهمتر روح صداقت و صمیمیت که رهبری از خود نشان دادند و دهها مساله مهم دیگر که در پیام آمده باید با جدیت برای آنها کار و برنامه‌ریزی شود و درصد پیدا کردن ابزار و کادرهای لازم برای هر بخشی از آن برآمد.

این وظیفه همه ماست که ارزشهای اسلامی و آرمانهای انقلاب را در داخل و خارج و در هر شرایطی در ابعاد فکری، سیاسی، فرهنگی اقتصادی و نظامی شناسایی و تعقیب نماییم و باید گفت شناخت و تربیت نیروها و ابزار و کادر لازم برای تحقق آرمانها و اهداف الهی انقلاب و بها دادن به آنان کمتر از خود انقلاب نیست.



و اصولاً بسیاری از ضربتها و مصیبتها که به نظام و انقلاب می‌رسد معلول نداشتن و تربیت نکردن کادرهای قوی و مناسب برای ابعاد مختلف انقلاب و یا استفاده نکردن از نیروهای متعهد موجود و احیاناً منزوی و خرابینمودن آنان است. و چه کسی برای رفع این نقیصه و خلا بزرگ اولی و سزاوارتر از مقام رهبری می‌باشد که خود سالها برای به ثمر رساندن مبارزه و انقلاب رنجها کشیده و سختیها و ناملازمات فراوانی را متحمل شده‌اند.

در شرایط کنونی انقلاب ایجاد هسته تعقل و تفکر و اندیشه از وظایف مهم است که باید به موازنه دستگامهای اجرایی کشور، دستگامهای فکری و تحقیق و طرح و اندیشه و بکارگیری نیروهای خلاق و طراح وجود داشته باشد... تا انقلاب به پویایی و شکوفایی خود در همه ابعاد ادامه دهد.

۴ همان‌گونه که حضرت امام یسار آور شدند نباید ملت مقاوم ما و نیروهای مسلح شجاع توطئه‌های دشمن را پایان یافته بدانند و فکر کنند شرارتها و انگیزه‌های تجاوز از بین رفته است. از اینکه مقامات صهیونیستی از قبول آتش‌بس و قطعنامه اظهار نگرانی نموده‌اند احساس می‌شود که در مرحله کنونی انقلاب عوامل مرموز صهیونیستها در آمریکا و منطقه می‌کوشند به هر شکل شده عراق را به تجاوزات و شرارت‌های خود به منظور تحریک جمهوری اسلامی ایران به واکنش و ادامه جنگ تشویق و ترغیب نمایند. از این رو ضمن تاکید بر هوشیاری کامل مسئولین سیاسی کشور لازم است برادران ارتشی و سپاه و بسیج و سایر نیروهای مردمی و رزمی ایدهم‌الله تعالی همچون گذشته در تامين و اعزام نیروهای لازم در جبهه‌ها برای دفاع مقدس و حفظ مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوزات و شرارت‌های دشمن اقدامات و آمادگی‌های لازم را از هر جهت مبذول دارند و همچنان مصمم و قاطع باشند و اجازه ندهند توطئه جدید دشمن عملی گردد.

۵ اینجانب در چند سال پیش روزهای هجده تا بیست و پنج ذی‌الحجه الحرام را به عنوان هفته ولایت و امامت مطرح کردم و از ملت مسلمان خواستم در این هفته مبارکه که از جریان مهم معرفی و تعیین حضرت امیرالمومنین (ع) در روز غدیر برای خلافت و امامت مسلمین توسط پیامبر اکرم (ص) شروع و به دنبال آن جریانات مهم مباحله و نزول سوره هل اتی و آیه شریفه انما ولیکم الله و آیه شریفه تطهیر در شان حضرت امیر و عترت طاهره پیامبر اکرم (ص) اتفاق می‌افتد گویندگان و نویسندگان متعهد اهمیت مقام ولایت و امامت را برای مردم تشریح و تحلیل نمایند، و امسال با توجه به شرایط خاصی که برای انقلاب پیش آمده و ملت ما در بوته یک آزمایش بزرگ الهی قرار گرفته است و از طرفی دشمنان اسلام و انقلاب در سطح جهان خرسند و شادمان، و دوستان انقلاب و مسلمانان جهان از شرایط تلخی که برای ملت ایران پیش آمده غمگین و ناراحت شدند.

و از طرف دیگر ملت ما با ناراحتی و نگرانی اظهارات متواضعانه و کریمانه مقام رهبری را شنید و از احساس تلخی و آزرده‌گی خاطر معظمله آزرده شد، در چنین شرایطی من از ملت عزیز ایران می‌خواهم به منظور تجلیل از مقام امامت و ولایت و تجدید بیعت با امام امت مدظله و اظهار وفاداری به معظمله و اعلام مجدد حضور در تمام صحنه‌های انقلاب و دفاع و آمادگی کامل برای حمایت از اسلام و انقلاب و مقام معظم رهبری روز هجده ذی‌الحجه (عید غدیر) را که آغاز هفته ولایت و امامت است به عنوان روز بیعت مجدد با امام امت دست به یکراهی‌هایی با شکوه بزنند و با شعارهای کوبنده علیه آمریکا و شوروی و کفر جهانی و اسرائیل غاصب بار دیگر همبستگی کامل و حضور همجانبه خود را در صحنه پیکار و جهاد مقدس و مبارزه حق علیه باطل در همه زمانها و مکانها اعلام دارند و از مسئولین نظام و کشور بخواهند دستورات و رهنمودهای موکد مقام رهبری برنامه‌های اصولی را برای سازندگی کشور در همه ابعاد و مبارزه اساسی با آمریکا و اسرائیل و همه مظاهر طغیان و زورگویی پی ریزی نمایند و ترتیبی بدهند تا انشا الله تعالی با هماهنگی کامل تمام مبارزان متعهد و مسلمانان همه کشورهای اسلامی بزودی مقدمات راهپیمایی صد میلیونی به سمت قدس عزیز برای آزاد ساختن قبله اول مسلمین و فلسطین اشغالی از دست صهیونیست‌های اشغالگر و غاصب و متوجه کردن همه امکانات به سوی این هدف بزرگ فراهم گردد.

در خاتمه لازم می‌دانم مراتب تقدیر و تشکر خود را از همه اقشار و طبقات شما ملت فداکار که هر کدام به شکلی در این جنگ تحمیلی هشتساله مورد آزمایش و ناراحتی و مصیبت‌های طاقت فرسا قرار گرفتید بخصوص معلولین و مجروحین و آوارگان و خانواده‌های معظم شهدا و اسرا و مسفقودین این مشعل‌داران حماسه جاوید جنگ حق علیه باطل متواضعانه و برادرانه اعلام دارم و ستاعسی قابل عرضه ندارم جز دعای خیر و طلب علو درجات و حشر با اولیای کرام برای شهدای عظیم الشان انقلاب و جنگ تحمیلی و شهدای عزیز فاجعه خونین مکرمه و آرزوی توفیق بیش از پیش برای همه خدمتگزاران و مسئولین محترم و دلسوز و همه اقشار و طبقات ملت ایران در ساختن آینده کشور و حفظ انقلاب و ارزشهای اسلامی و توفیق بیشتر همه نیروهای مسلح از ارتش و سپاه و بسیج و کمیته و ژاندارمری در حفظ مرزهای کشور از نفوذ اجانب و پیروزی نیروهای حق در همه بلاد و شکست کامل نیروهای شیطنی در همه جبهه‌ها و سلامت و طول عمر رهبری انقلاب و السلام علیکم جمیعا و رحمة الله و برکاته

شنبه هشتم ذیحجه ۱۴۰۸ مصادف با اول مرداد ۱۳۶۷

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۳۹: نامه معظمله به امام خمینی برای برنامه ریزی دقیق جهت مبارزه اصولی با آمریکا

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا الیه راجعون

محضر مبارک فرمانده کل قوا آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام و تحسیت و عرض تسلیت به حضرت تعالی و ملت شریف و مقاوم ایران و خانواده‌های شهدای جنابیت اخیر آمریکا و طلب علو درجات برای همه شهدای فضیلت به عرض می‌رساند جنابیت اخیر آمریکا در خلیج فارس و حمله نظامی به هواپیمای مسافری ایران که منجر به سقوط آن و شهادت حدود ۳۰۰ نفر مسلمان بیگناه شد چیزی نیست که بتوان از آن درگذشت. این جنابیت دلخراش بار دیگر چهره ضد انسانی و منافقانه دولت آمریکا را برای جهانیان روشن نمود، آمریکا با این جنابیت

بی سابقه خود ثابت کرد به هیچ یک از اصول انسانی و مقررات بین‌المللی پایبند نیست و همچنان دشمن اصلی اسلام و ملت پیاخته ایران و همه ملل مظلوم جهان می‌باشد. با یک نگاه دقیق به جنایت و مظالم عوامل آمریکا در منطقه روشن می‌گردد که ریشه اصلی تجاوز صدام به کشور ایران و اسرائیل غاصب به سرزمینهای عربی و قتل‌عام ملت مظلوم فلسطین در اراضی اشغالی و کشتار بیرحمانه حجاج خانه خدا در حرم امن الهی توسط آل‌سعود و دیگر مظالم و جنایات در منطقه همانا دولت آمریکا و نظام استعماری آن است. این آمریکای جنایتکار است که از صداچرای شروع و ادامه جنگی که قطعاً در جهت حفظ منافع آمریکا و اسرائیل می‌باشد حمایت کرده و می‌کند، به یقین اگر حمایت‌های آمریکا و عمالش در منطقه از صدام نبود سالها پیش این جنگ خانمانسوز با پیروزی اسلام به پایان رسیده بود، و این آمریکای جهان‌خوار است که اسرائیل غاصب و جنایتکاران آل‌سعود و مرتجعین منطقه را به ظلم و غارت و جنایت و کشتار تحریص و تشویق می‌کند، روی این اصل باتوجه به فرموده حضرت امیر (ع) که فرمودند "فوالله ما غزی قوم فی عقر دارهم الا ذلوا" و با توجه به رهنمودهای حضرتعالی که خطر جدی آمریکا و دشمنی آن با اسلام و قرآن و مظلومین جهان را در مقاطع گوناگون گوشزد فرموده‌اید، بجاست اکنون که دشمن اصلی اسلام و مسلمین علاوه بر عمالش در منطقه خود علناً به میدان آمده دستور فرمائید ضمن دفاع مقدس از مرزهای کشور برنامه‌هایی دقیق در جهت مبارزه اصولی با دشمن اصلی یعنی آمریکا در جبهه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی تدوین و به مورد اجرا و عمل گذاشته شود، زیرا توجه به معلولها و غفلت از علت‌العلل با هیچ منطقی قابل توجیه نیست و حضرت مستطاب عالی توجه دارید که یک مبارزه تمام‌عیار با آمریکا با شعار فقط و انجام مراسمی تبلیغاتی کافی نخواهد بود. ما اگر بخواهیم در یک مبارزه اصولی با ریشه اصلی و علت‌العلل مظالم طغیانها و فسادها مبارزه کنیم راهی جز شناخت و شناساندن انواع سلطه‌های آمریکا و امپریالیسم و جبهه‌هایی که آمریکا از آن جبهه‌ها با اسلام و امت بزرگ اسلامی و مظلومین جهان حمله می‌کند نداریم، و یقیناً چنین وظیفه مهمی را باید در بحث‌های سیاسی، اقتصادی فرهنگی و نظامی دشمن برای ملت مقاوم خود و سایر ملت‌های مظلوم تشریح و تبیین نمائیم و برای مبارزه همه جانبه و اساسی با آن برنامه‌ریزی دقیق بکنیم. من اطمینان دارم اگر مقام معظم رهبری انقلاب دستور بدهند نیروهای انقلاب و هسته‌های مقاومت در داخل و خارج کشور با تنظیم برنامه‌های مناسب و حساب شده منافع مادی، سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا را هدف مبارزات خود قرار دهند و ملت‌های مظلوم و حرکت‌های اسلامی و آزادی‌بخش برای این مبارزه اصولی و ریشه‌ای برنامه‌ریزی نمایند، به یقین جهان اسلام یکپارچه پیاخته و آتشی می‌شود که آمریکا و عوامل آن و همه استعمارگران شرق و غرب جهان را با قهر و غضب ملت‌های مظلوم که نمونه است از قهر الهی در خود می‌سوزاند، و دیگر آمریکا به خود اجازه نمی‌دهد صدام و اسرائیل و آل‌سعود را برای تجاوز و جنگ و کشتار مسلمانان تجهیز و تقویت نماید.

ما تعجب می‌کنیم چطور ملت آمریکا که ملتها طعم تلخ استعمار جنایات انگلستان را چشیده اجازه می‌دهد دولت جنایتکار آنان به نام آنان دست به این ظلم و خونریزی و جنایت بزند، و نیز امید وافر دارم که اگر مقام معظم رهبری مصلحت دیدند و دستور اقدام دادند توده‌های میلیونی مسلمانان جهان امکانات مادی و معنوی فوق‌العاده خود را برای جنگ و مبارزه با دشمن اصلی اسلام و قرآن و ملت‌های مظلوم در اختیار قرار خواهند داد. در خاتمه پیروزی همه مسلمین و مستضعفین جهان در همه جبهه‌ها و سلامت کامل و طول عمر حضرتعالی را از خدای متعال مسئلت دارم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۴۰: پاسخ اصام خمینی به نامه معظمله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب آیت‌الله آقای منتظری دامتافاضاته

پیام جنابعالی تکلیفی بود بر آلام تمامی کسانی که از شیطان بزرگ آمریکای حیل‌گر ضربه خورده‌اند. مردم آزاده جهان همیشه از ابرقدرتها خصوصاً آمریکای جنایتکار صدمه دیده‌اند و تا عزم خود را برای رویارویی با کفر و شرک جهانی جزم ننمایند هر روز شاهد جنایتی تازه خواهند بود. مردم شریف ایران باید توجه کنند که امروز روز مبارزه و جنگیدن با تمام شیاطینی است که حقوق حقه تمامی پابرهنگان جهان را صرف عیش و نوش و تهیه سلاح‌هایی می‌نمایند که برای همیشه حاکم دنیای گرسنگان باشند. جنگ امروز ما جنگ با عراق و اسرائیل نیست جنگ ما با عربستان و شیوخ خلیج فارس نیست جنگ ما با مصر و اردن و مراکش نیست جنگ ما جنگ با ابرقدرتهای شرق و غرب نیست جنگ ما جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور، جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمام نابرابری‌های دنیای سرمایه‌داری و کمونیزم، جنگ ما جنگ پابرهنگی علیه خوشگنرانیه‌های مرفهین و حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی است. این جنگ سلاح نمی‌شناسد این جنگ محصور در مرز و بوم نیست، این جنگ خانه و کاشانه و شکست و تلخی کسب‌کرد و فقر و گرسنگی نمی‌داند، این جنگ جنگ اعتقادات جنگ ارزشهای اعتقادی انقلابی علیه دنیای کثیف زور و پول و خوشگنرانی است، جنگ ما جنگ قداست عزت و شرف و استقامت علیه نامردمی‌هاست، رزمندگان ما در دنیای پاک اعتقاد و در جهان تنفس می‌کنند و مسلمین جهان هم که می‌دانند جنگ بین استکبار و اسلام است جهان‌خواران را آرام نخواهند گذاشت، ضربه‌های خود را بر همه کاخ نشینان وارد می‌کنند.

جنابعالی که یکی از ذخایر این انقلاب می‌باشید با پشتیبانی از آقای هاشمی وقت خود را مصروف در ساختن دنیایی از کرامت و بزرگواری نمائید، و مردم شریف ایران نیز بدانند که این روزها دست‌های ناپاک شرق و غرب برای هدم اسلام و مسلمین در یکدیگر گره خورده است. باید نگذاریم که تلاش فرزندان انقلابیمان در جبهه‌ها از بین برود، برای برپایی احکام اسلام عزیز دست اتحاد به یکدیگر داده محکم و استوار تائیدی روی اسلام حرکت کنیم، مسئولین نظام باید تمامی هم خود را در خدمت جنگ صرف کنند، این روزها باید تلاش کنیم تا تحولی عظیم در تمامی مسایلی که مربوط به جنگ است بوجود آوریم باید همه برای جنگی

تمام عیار علیه آمریکا و اذنباش به سوی جبهه رو کنیم، امروز تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است. غفلت از مسایل جنگ خیانت به رسول الله (ص) است. اینجانب جان ناقابل خود را به رزمندگان صحنه‌های نبرد تقدیم می‌نمایم. انفجار هواییمای مسافربری زنگ خطری است برای تمامی مسافرتها هوایی، باید با تمام وجود تلاش کنیم تا چنین صحنه‌های دردناکی پیش نیاید. اینجانب به تمامی بستگان این فاجعه تسلیت عرض نموده و خود را در غم و اندوه از دست دادن عزیزانشان شریک می‌دانم. من به جنابعالی و تمام کسانی که برای رسیدن به هدف مقدس پیروزی اسلام تلاش می‌نمایید دعا می‌کنم و السلام علیکم ورحمة الله

۶۷/۴/۱۳

روح الله الموسوی الخمينی

پیوست شماره ۱۴۱: شکوائیه جناب‌الاسلام مهندس احمد منتظری فرزند معظمه به ریاست قوه قضائیه در مورد انتشار برخی از جزوات و بیانیه‌ها، مورخه ۱۳۶۹/۴/۷

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم ریاست قوه قضائیه حضرت آیت الله یزدی دامتبرکاته

پس از سلام همانگونه که مستحضرید از اوایل سال ۱۳۶۸ تاکنون در تلاشی گسترده به بهانه توجیه افکار عمومی جزوات و بیانیه‌ها و کتابهایی در صدها هزار تیراژ و نسخه علیه پدر بزرگوار اینجانب حضرت آیت الله العظمی منتظری منتشر گردیده و کلیه روزنامه‌های کثیرالانتشار آنها را عیناً استنساخ نمودند و در برخی از سخنرانی‌ها و مناظر هم همان حرفها تکرار گردید که علی‌رغم وجود اکاذیب فراوان در آنها، ایشان بخاطر حفظ وحدت جامعه و مصالح عالیله اسلام و انقلاب قاطعانه خواستار سکوت در مقابل آن حجم عظیم تبلیغات بوده و از حق‌شروعی و قانونی خویش چشم‌پوشی کردند و حتی از اقدامات دیگران در حد امکان جلوگیری نمودند و چنانچه در سخنرانی مورخه ۱۳۶۸/۱۰/۱۱ بیان فرمودند از انتشار چند کتاب مفصل و تحقیقی و مستند که پاسخگویی اکاذیب و تهمتها بود و می‌توانست افکار بسیاری از کسانی را که به اعتماد به تبلیغات و نوشته‌های یکطرفه قضاوتهایی کرده و یا موضعگیری‌هایی را نموده بودند دگرگون سازد جلوگیری کردند و بدین گونه فداشدن خود را بر فداشدن انقلاب و بوجود آمدن بحران داخلی ترجیح دادند. اما در مقابل همه این حسن نیتها و از خود گذشتگی‌ها بداندیشسان و بدخواهان به هر مناسبتی با دروغزنی و هتاکی در برخی از جراید و یا بوسیله انتشار جزواتی با امضاهای مجهول و مجهول و یاراندازی گروههای فشار همچنان به فعالیتهای تخریبی و تفرقه‌افکنانه خود ادامه داده‌اند و تاکنون اگر رعایت مصلحت شده کاملاً یکطرفه بوده است. اخیراً هم با انتشار کتابی تحریک‌آمیز که چیزی نیست جز نمایش سریال تکراری سید مهدی هاشمی، یعنی کسی که در سال ۱۳۶۶ اعدام گردیده و در سال ۶۵ نیز در نامه‌ای که ایشان به حضرت امام‌قدس‌سره نوشتند ضمن تشکر بخاطر دستور رسیدگی به پرونده نامبرده کاملاً از او و گروه او اظهار برائت نمودند، ولو بلغ ما بلغ.

آیا جواب این حسن نیتها همین است که اشاعه اکاذیب نسبت به ایشان ادامه یابد؟ چرا از علاقه شدید ایشان به انقلاب و جمهوری اسلامی و حفظ وحدت کلمه سو استفاده می‌شود؟ همه این سمپاشی‌ها علیه شخصیتی اعمال می‌شود که سوابق و فضائل او بر همه مردم ایران بخصوص بر مسئولین جمهوری اسلامی روشن است و نقش عمده ایشان را در برپایی انقلاب اسلامی و پیروزی آن و تثبیت نظام جمهوری اسلامی و مشارکت در یک دهه رهبری انقلاب و نظام و آن هم در مراحل و مسائل حساس و پیچیده را همه دوستان و دشمنان اعتراف دارند و اکثر مسئولان رده بالای نظام بدون واسطه یا مع الواسطه شاگرد ایشان بوده‌اند. اصولاً این روش بسیار ناجوانمردانه است که شخصی را مورد حمله و تاخت و تاز قرار دهند اما به او حق دفاع داده نشود و در همسرسانها بایکوت شود، چنین برخورد در مورد یک شهروند معمولی جمهوری اسلامی شایسته نیست تا چه رسد به ایشان. آیا با چنین شیوه‌ای روح یاس در ملت که پشتوانه اسلام و انقلاب است ایجاد نمی‌شود؟ و آیا با چنین سیرهای یاز می‌توانیم مدعی اجرای عدالت در جامعه باشیم؟ آیا حذف و جداسازی ایشان از نظام جمهوری اسلامی به نفع این نظام است؟ آیا این که شخص دوم انقلاب را مخالف آن معرفی کنیم باعث آبروی نظام و انقلاب است یا بالعکس؟ پس چرا اجازه می‌دهید بعضی افراد این معنی را از روی جهالت و نادانی جلوه دهند و تبلیغ نمایند؟ گناه این خلافکارها هم چنین به گردن کسانی است که واقعیتها را می‌بینند و حقایق را درک می‌کنند اما عملی رغنم میل قلبی خود سکوت می‌نمایند و همین محافظه‌کارها و مصلحت‌اندیشیهای شخصی است که مهاجمین به حریم مقدس مرجعیت و روحانیت را جرئت و جسارت می‌بخشد و اگر امروز به ایشان جسارت می‌کنند فردا دیگران را مورد حمله قرار می‌دهند.

آیا این آیه شریفه: "ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم" و حدیث شریف: "اذا امتی تواکلت الامر بالمعروف والنهی عن المنکر فلیاذنوا بوقاع من الله" شامل این افراد عافیت طلب نمی‌شود؟ البته در برابر این همه بلای زبان حال و زبان قال ایشان چیزی نیست غیر از "انما اشکوا بیتی و حزنی الی الله" و "ما رایت الا جمیلاً".

حضرت آیت الله یزدی با توجه به اعلام جنابعالی مبنی بر قرار دادن هفته اول تیر ماه به عنوان هفته عدالت و هم اینکه شما مسئول مستقیم اجرای عدالت در جامعه می‌باشید و هم بخاطر خدا و خون شهدا و حفظ نظام جمهوری اسلامی از این همه مظلومیت ایشان و اهمداشته باشید و آثار وضعیه آنرا جدا مد نظر بگیرید. انشا الله موفق باشید والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

هفتم تیرماه ۱۳۶۹

احمد منتظری

پیوست شماره ۱۴۲: نامه امام خمینی به معظمه در مورد رسیدگی به اتهامات آقای سید مهدی هاشمی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت جناب‌الاسلام والمسلمین فقیه عالی قدر آقای منتظری دامتایامبرکاته